

نبرد خلق

کارگران همه کشورها
متحد شوید

به یاد جانبازان
قتل عام زندانیان
سیاسی در تابستان ۶۷

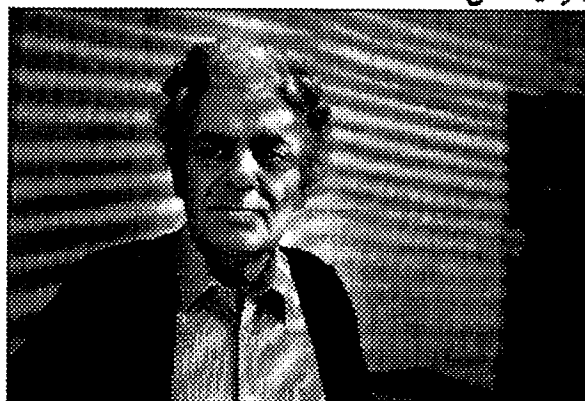
ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آمریکا کانادا ۱ دلار، آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک
NABARD - E - KHALGH No 183, 22 Aug 2000

شماره ۱۸۳ دوره چهارم سال هفدهم - اول شهریور ۱۳۷۹
\$ 1, 2 DM, 7 Fr

در سوگ احمد شاملو

پریای خا خلی...



©Photo: KIZIA - Germany / 21 Oct. 1968
www.webistan.com

عکس: رضا قلی

اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
به مناسبت درگذشت احمد شاملو

پیام تسلیت مسئول شورای ملی مقاومت به مناسبت درگذشت
شاعر بلند آوازه ی ایران احمد شاملو

سخنرانی منوچهر هزارخانی در گردهمایی پاریس و در بزرگداشت
بزرگمرد فرهنگساز، احمد شاملو

دیدگاهها در مورد احمد شاملو

- مبارز خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و ارتجاع
- پرواز را به خاطر بسیار، پرنده مردنی ست
- مرگ شاملو طلوع بی غروب «بامداد»
- شکیبایی و شهادت در جدال با شیادی شیوخ

یادداشت سیاسی ماه

— مهدی سامع

نمی توانم زیبا نباشم
عشوه بی نباشم در تجلی جاودانه.

چنان زیباییم من
که گذرگاهم را بهاری نابخویش
آزین می کند:

در جهان پیرامنم
هرگز

خون
عریانی جان نیست

و کبک را
هراسناکی سرب

از خرام
باز
نمی دارد.

چنان زیباییم من
که الله اکبر

وصفی ست ناگزیر
که از من می کنی.
زهری بی پادزهرم در معرض تو.

جهان اگر زیباست
مجیز حضور مرا می گوید. -

ابلهای مردا
عدوی تو نیستم من
انکار توام.

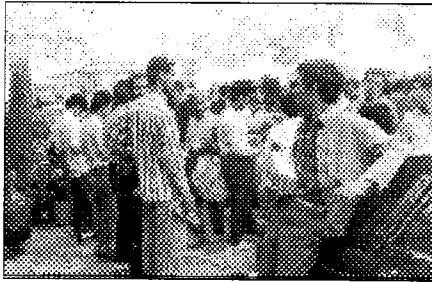
اخبار کارگری -

- اعتصاب در شرکت توسعه نیشکر
- بیکاری بیش از ۸ هزار پزشک
- اعتراض کارگران کارخانه آهک صنعتی لرستان
- ۲۳ میلیون زیر خط فقر

در ماه گذشته رویدادهای
مهمی در ایران اتفاق افتاد که
منعکس کننده جنبه های مختلف
تحولات در حال وقوع در جامعه
ماست. در ابتدای این ماه جامعه
جهانی یکی از بزرگترین
روشنفکران مدافع آزادی و رهایی
بشریت را از دست داد. احمد
شاملو، شاعر، نویسنده، محقق،
اندیشمند و روشنفکر مبارز و
آزادیخواه درگذشت. مراسم
خاکسپاری او که با شرکت ۱۵۰
هزار نفر از مردم و به ویژه زنان و
مردان جوان برگزار شد، نشان داد
که مردم چگونه از یک پیکارگر راه
آزادی تجلیل می کنند. سکوت
سران رژیم از تمامی جناحها و نیز
طرفداران رژیم سلطنتی سابق،
جایگاه احمد شاملو در جنبش
ترقیخواه مردم ایران را برجسته
کرد. زندگی احمد شاملو، همواره
با مقاومت، ایستادگی و شوریدگی
همراه بوده و جامعه جهانی به
طور عام و مردم ایران و فارسی
زبانان در سراسر دنیا به طور
خاص هرگز او را فراموش نخواهند
کرد.

مرد ماه، سالروز قتل عام
زندانیان سیاسی بود. در سال
۱۳۷۶، خمینی جلالت، پس از
نوشیدن جام زهر آتش بس، برای
انتقام از مردم و جلوگیری از
خیزش مردمی علیه سیاستهای
جنگ طلبانه که منجر به شکست
مفتضحانه اش شده بود، به یک
قتل عام بزرگ از زندانیان سیاسی
دست زد. این اقدام جنایتکارانه و
ننگین موجی از خشم و نفرت در
جهان و در میان ایرانیان
برانگیخت. به امید روزی که تمام
این پرونده ننگین در مقابل چشم
جهانیان باز شود. یاد همه ی
کسانی که در این قتل عام
وحشیانه جان باختند را گرامی
می داریم.

سرگون باد رژیم استبدادی-مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن
هرچه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی



تظاهرات در جنوب غرب تهران - عکس از روزنامه رسالت

تظاهرات مردم در شهر قیر فارس

روز ۹ مرداد، مردم در شهر قیر فارس دست به یک تظاهرات علیه رژیم زدند. دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه ای اعلام کرد که این حرکت اعتراضی در پی آن صورت گرفت که روز شنبه ۸ مرداد، نیروهای سرکوبگر رژیم یک مغازه دار بیگناه به نام عبدالله فرشید را دستگیر نموده و در دادگستری شهر به شدت مورد شکنجه قرار دادند.

متعاقبا روز یکشنبه، مردم شهر در مقابل بخشداری تجمع کرده و با شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر خاتمی نسبت به این جنایت ضد انسانی دست به اعتراض زدند و خواهان دستگیری و مجازات عاملان این جنایت شدند. به دنبال دخالت نیروی انتظامی برای سرکوب این حرکت اعتراضی، تظاهرکنندگان به مراکز و ساختمانهای دولتی، از جمله بخشداری و دادگستری و مراکز نیروهای سرکوبگر حمله ور شده و کلیه شیشه های آنها را خرد کرده و کامپیوترها و سایر اموال موجود در این ساختمانها و همچنین شمار زیادی از خودروهای دولتی را به آتش کشیدند.

نیروهای سرکوبگر رژیم که از گسترش تظاهرات به نقاط دیگر شهر به شدت وحشت داشتند به مردم تظاهرکننده حمله نموده و به شلیک گاز اشک آور و تیراندازی مبادرت کردند...

تظاهرات مردم نیک آباد اصفهان

دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه ای در تاریخ ۱۵ مرداد اعلام کرد، مردم نیک آباد از توابع اصفهان، طی روزهای شنبه و یکشنبه ۹ و ۱۰ مرداد، با برپایی یک تظاهرات ضد حکومتی و سر دادن شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر خاتمی با نیروهای سرکوبگر رژیم درگیر شدند و تعدادی از ساختمانهای دولتی این شهر از جمله ساختمان بخشداری را به شدت تخریب کردند.

این خیرش مردمی ابتدا با تجمع حدود ۵۰۰ نفر از مردم این منطقه در اعتراض نسبت به کمبود شدید آب آشامیدنی آغاز شد. هنگامی که نیروی انتظامی برای متفرق کردن جمعیت خشکین اقدام به پرتاب گاز اشک آور کردند، تظاهرکنندگان به مقابله با آنها برخاستند و با پیوستن بسیاری از جوانان و دانش آموزان به آنها، دامنه درگیری بالا گرفت. مردم به ساختمانهای دولتی از جمله بخشداری حمله ور شدند خسارات سنگینی به این اماکن وارد آوردند. مردم بخشداری نیک آباد را نیز که دستور سرکوب تظاهرات را صادر کرده بود، به شدت مضروب کردند.

تظاهرات و نا آرامی به مدت دو روز در نیک آباد ادامه یافت. سرانجام مأموران اطلاعات آخوندی و نیروی انتظامی پس از نیمه شب یکشنبه به خانه های مردم هجوم بردند و یازده تن از اهالی را بازداشت کردند. نیروهای سرکوبگر رژیم که از مناطق مختلف به نیک آباد اعزام شده اند، به رغم گذشت چند روز همچنان اوضاع را به شدت تحت کنترل دارند. رژیم آخوندی در وحشت از تکرار ناآرامیها، حتی از تجمع اهالی در میهمانیهای خانوادگی نیز جلوگیری می کنند.

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

در ماه گذشته خامنه ای با نوشتن یک نامه به کربوبی رئیس مجلس، اقدام به یک مداخله پر هیاهو برای کنترل اوضاع نمود. روز یکشنبه ۱۶ مرداد خامنه ای در نامه ای به کربوبی اصلاح موادی از قانون مطبوعات را به مصلحت کشور و نظام ندانست و آن را غیر مشروع اعلام کرد. کربوبی بدون هرگونه نظریخواهی از نمایندگان مجلس ارتجاع این طرح را از دستور مجلس خارج نمود و در مقابل اعتراض بعضی از نمایندگان، در مورد نامه ی خامنه ای گفت این یک حکم حکومتی است. قانون اساسی بر ولایت مطلقه فقیه تاکید دارد و ولایت مطلقه هم همین است. بدین ترتیب مجلسی که بعضی خام اندیشان و فرصت طلبان آن را مجلس اصلاحات نام نهاده بودند، موقعیت واقعی خود را به همه نشان داد. واقعیت این است که ولایت مطلقه فقیه، و نقش آن در نظام فعلی حاکم بر کشور ما دارای آن چنان حقوقی است که تمام نهادهای به اصطلاح انتخابی دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد. کاری که خامنه ای کرده، از نظر مضمون، محتوی و شکل قانون اساسی جمهوری اسلامی، عملی غیر قانونی نیست. ولی فقیه بر طبق قانون اساسی رژیم، فردی فرا قانون است. تمام مواد قانون اساسی به جز مواد مربوط به اسلامیت و ولایت قایل تغییر است و بنا بر این هیچ اقدام قانونی برای اصلاح در نظام استبدادی - مذهبی، فعلی میسر نیست. از این نظر نباید هیچ گونه شکی داشت که اقدام خامنه ای اقدامی خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست آنچه مهم است جنبه قانونی اقدام سید علی خامنه ای نیست بلکه جنبه عملی آن و نیز چگونگی اراده حاکم بر این اقدام است. خامنه ای و دستگاه قضایی تحت امر او طی چند ماه گذشته دهها نشریه را توقیف کردند. دهها روزنامه نگار را به زندان انداخته و آنان را در بی دادگاهها به حبس محکوم نمودند. نقطه ضعف تصمیم خامنه ای، در قانونی بودن یا

شعارهایی علیه استبداد مذهبی حاکم سر دادند. یگانهای ویژه ضد شورش و نیروهای اطلاعاتی و انتظامی و بسیج که از قبل در این منطقه مستقر شده بودند، با شروع تظاهرات وحشیانه به تظاهرکنندگان یورش بردند و حداقل ۴۰ تن از آنان را دستگیر و به زندان منتقل کردند. اسامی شش تن از دستگیر شدگان عبارت است از: مهناز شهیدی، محمد جعفر غریبانی، عباس احمدیان، نریمان باقرپور، علی میرقاسمی و احمد رضا ثباتی.

رژیم آخوندی در هراس از گسترش تظاهرات، به مغازه داران این منطقه اخطار کرده بود که از مغازه های خود خارج نشوند. مأموران نیروی انتظامی و نیروی ویژه ضد شورش با کلاهخود، باتون و تجهیزات کامل، در میدان بهارستان - مهدوی - اصغر بیابانی - حسین رضائی - عباس دیری - فریده کلهر - مهنا حسینی - مریم حسینی - بهرام بهرامی - اصغر بهرامی - علی باغبانی - عباس کرد

تظاهرات مردم در جنوب غرب تهران علیه رژیم

به دنبال اذیت و آزار کسبه و دست فروشان در جنوب غرب تهران، توسط مأموران رژیم، کسبه و مردم محل دست به اعتراض و تظاهرات زدند. این تظاهرات از بعد از ظهر شنبه ۲۲ مرداد تا ساعات اولیه بامداد یکشنبه ادامه داشت. در درگیری با مأمورین رژیم، مردم خشکین محل، چندین خودروی دولتی را منهدم کردند. بر اساس خبر رسالت ۲۴ مرداد در پی ضرب و شتم یک خانم میانسال و روانه شدن او به بیمارستان بر شدت اعتراض مردم افزوده شد. مأموران رژیم به سرکوب مردم محل پرداختند و تعدادی از آنها را دستگیر کردند دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه ای اسامی دستگیرشدگان را به شرح زیر اعلام کرد: اصغر کامرانی - محمد مهدوی - اصغر بیابانی - حسین رضائی - عباس دیری - فریده کلهر - مهنا حسینی - مریم حسینی - بهرام بهرامی - اصغر بهرامی - علی باغبانی - عباس کرد

تظاهرات در میدان بهارستان

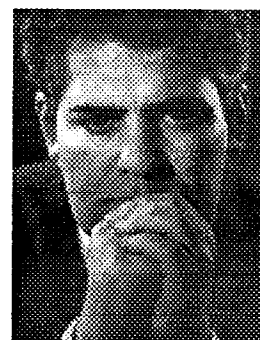
میدان بهارستان

دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه ای اعلام کرد که حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر ۲۹ مرداد، بیش از ۵ هزار نفر از جوانان و دانشجویان برای اعتراض علیه سرکوب و خفقان در میدان بهارستان در مرکز تهران دست به تظاهرات زدند و

تظاهرات جوانان در مرکز تهران در حالی شکل گرفت که وزارت کشور رژیم آخوندی از قبل آن را ممنوع اعلام کرده و تهدید کرده بود که آن را سرکوب خواهد کرد. همچنین همه گروهها و باندهای طرفدار خاتمی پیشاپیش این تظاهرات را به شدت محکوم کرده بودند.

اطلاعیه -

روزگار غریبی است نازنین احمد شاملو در گذشت



روزی که هر لب ترانه نیست
تا کمترین سرود، بوسه باشد
روزی که تو بیایی، برای همیشه
و مهربانی با زیبایی یکسان شود
روزی که ما دوباره برای کبوتر هایمان
دانه بریزیم
و من آن روز را انتظار می کشم
حتی روزی
که دیگر
نباشم

احمد شاملو شاعر بزرگ، اندیشمند برجسته و یکی از مدافعان پیگیر آزادی اندیشه و بیان و آزادیهای سیاسی، صبح امروز در بیمارستان ایران مهر درگذشت. شاملو یکی از پرکارترین روشنفکران ایران بود. علاوه بر دهها کتاب شعر و مجموعه ناتمام کتاب کوزه، کارهای زیادی در زمینه ترجمه، داستان نویسی، فیلمنامه نویسی، و... از خود بر جای گذاشته است. احمد شاملو یکی از مبارزان پیگیر دموکراسی، عدالت و آزادی اندیشه و بیان بود. و مسئولیت انتشارات آیرانشهر، خوشه، کتاب جمعه و... را به عهده داشت. احمد شاملو یک مبارز برجسته علیه رژیمهای سلطنتی و ولایت فقیه‌ی بود و در این زمینه با شعر و مقاله های خود بر تمامی اشکال استبداد و ستم مذهبی، جنسی و ملی می تاخت. استواری او سبب آن شد که بسیاری از توطئه های رژیم استبدادی-مذهبی ولایت فقیه علیه جنبش فرهنگی ترقیخواه ایران نقش بر آب شود. احمد شاملو یک چهره فرهنگی ایرانی بود که در سراسر جهان به عنوان یک پیکارگر راه آزادی اندیشه و بیان و آزادیهای سیاسی شناخته شده بود.

در گذشت احمد شاملو، ضایعه ای بزرگ برای جنبش فرهنگی ترقیخواه مردم ایران است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت احمد شاملو، برجسته ترین شاعر معاصر ایران را به مردم ایران، به جامعه فرهنگی ترقیخواه ایران و به همسر او آیدا و خانواده اش تسلیت می گوید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۷۹

پیام تسلیت مسئول شورای ملی مقاومت به مناسبت درگذشت شاعر بلند آوازه ی ایران احمد شاملو

دیشب شاعر شاعران، خورشید درخشان آسمان ادب ایران، احمد شاملو دیگر سخن نگفت. هر چند باز هم به هزار زبان در سخن است. فقدان شاملو را به خانواده او، به مردم ایران، به دوستداران فرهنگ و ادب ایران، به همه ادبا و شاعران آزاده و شریفی که همچون شاملو تسلیم رژیم تبهکار آخوندی نشدند، به ویژه به شعرا و نویسندگان مقاومت و بخصوص یار دیرینش منوچهر هزارخانی تسلیت می گویم. آنان که پا به پا و جا به جا، هم قبل و هم بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، پشتیبان و مشوق مردان و زنان از خود گذشته ای بودند که برای رهایی ایران به پا خاستند و با اشرار جان خویش سنگ بنای جنبش انقلابی را بر زمین میهن ما استوار کردند (نقل از نامه مشترک شاملو و ساعدی و هزارخانی و شماری دیگر از نویسندگان و شعرا به مناسبت سالروز شهادت بنیانگذاران مجاهدین در چهارم خرداد ۱۳۶۰). بی گفتگو، شاملو، از بزرگترین شاعران معاصر ایران و جهان است. برای سالیان، جایزه نوبل حق مسلم او بوده است و پس از درگذشتش، به عنوان کمترین بزرگداشت از او و از شعر و ادبیات ایران، دیگر ناپستی دریغ شود. افسوس که رژیم آخوندی حسرت چاپ کامل مجموعه کتاب کوچه اثر بزرگ شاملو را بر دل شاعر گذاشت زیرا که شاعران، خود شاخه ای از جنگل خلفند.

همو بود که در مقابل راه اندازی کانون نویسندگان مطلوب رژیم آخوندی، قاطعانه ایستادگی کرد تا دامن فرهنگ و ادبیات ایران آلوده نشود. اما فراتر از همه چیره دستیها و نبوغ شعری ادبی، به راستی آن گاه که شاملو با عاطفه و احساس شگفت خود در توصیف روزگار غریب و توصیف شهیدان و قهرمانان می سرود، آتش به جان می زد: از زیرم و مهدی رضایی تا حنیف نژاد و گلبرخی و اشرف موسی و آذر و شهیدان ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، از نازی تا ابراهیم در آتش و شبانه و بچه های اعماق و خطابه تدفین به یاد همه شهیدان بهمن.

در وصف میلیشای مجاهدین که در فردای ۳۰ خرداد با مشتهای گره کرده و شعار آزادی، حتی بدون دادن اسمهایشان به دشمن، سرودخوانان به جوخه های اعدام شتافتند. شاملو سرود: به شوق زندگی آواز می خواندند و تا پایان به راه روشن خود با وفا ماندند. و افزود: تو در من زنده ای، من در تو، ما هرگز نمی میریم - از آن ماست پیروزی.

و اکنون شاعر شاعران احمد شاملو، خود در فرهنگ و ادب ایران، در مقاومت مردم ایران و در عاطفه و احساس و شعر مقاومت زنده و جاری است. از هموطنان عزیز و مخصوصا جوانان و مردم تهران می خواهم که به رغم ترفندها و تضییقات رژیم فرهنگ کش آخوندی، در تشییع پیکر شاعر بزرگ ملی، حضور به هم رسانند و از جانب یاران تبعیدی او نیز با سرود ایران مرز پر گهر اداي احترام کنند. مجلس یادبود و بزرگداشت او از جانب شورای ملی مقاومت در پاریس برگزار می شود.

مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران
دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۷۹



در این بن بست

دهانت را می بویند
میادا که گفته باشی دوستت دارم.
دلت را می بویند
روزگار غریبی است، نازنین
و عشق را
کنار تیرک راهبند
تازینه می زنند.
عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد

در این بن بست کج و پیچ سرما
آتش را
به سوختبار سرود و شعر
فروزان می دارند.

به اندیشیدن خطر مکن.
روزگار غریبی است، نازنین
آن که بر در می کوید شباهنگام
به کشتن چراغ آمده است
نور را در پستوی خانه نهان باید کرد
آنک قصابانند
بر گذرگاهها مستقر
با کنده و ساطوری خونالود
روزگار غریبی است، نازنین
و تبسم را بر لبها جراحی می کنند
و ترانه را بر دهان.
شوق را در پستوی خانه نهان باید کرد

کیاب قناری
بر آتش سوسن و یاس
روزگار غریبی است، نازنین
ابلیس پیروزمست
سور عزای ما را بر سفره نشسته است.
خدا را در پستوی خانه نهان باید کرد

درگر امیداشت خاطره احمد شاملو

— منوچهر هزارخانی

گیرم که شعر همین کار را با ناظم حکمت، لورکا و ریتوس والوار و دیگران هم کرده است و می کند. خود شاملو در مصاحبه بی ناگهان می گوید: من جمعیتی کثیرم. ریلکه ام. روبه روسنوس. آراگون نه چندان ولی پل الوارم. لورکا هستم و خیمنز و غیره... غیره... این حرف یعنی چه؟ یعنی این که: مبتلایان به ذهنیت شاعرانه در هر نقطه از جهان که باشند و به هر زبان که سخن بگویند، درد بشریت - بشریت حی و حاضر - را دارند و همان را بازتاب می دهند.

قصه نیستم که بگویم
نغمه نیستم که بخوانی
صدا نیستم که بشنوی
یا چیزی چنان که ببینی
یا چیزی چنان که بدانی
من درد مشترک
مرا فریاد کن.

پس هر چند وسیله بیان شاملو زبان فارسی است، و بنا بر این بهره گیران بی واسطه از شعرهای او جماعت فارسی زبانی است. که تازه قلمرو زندگیش بسی گسترده تر از محدوده میهن است. و هر چند مصداقها و سمبلهای شعری او غالبا ایرانی هستند. ولی مفاهیمی که از آنها نشأت می گیرند، مفاهیمی عام و جهانی و مربوط به کل بشریت اند. و بنا بر این بهره گیران با واسطه از شعرهایش در گستره جهان پراکنده اند.

می خواهم بگویم یک ونژولایی، یک الجزایری، یک آلمانی یا یک ژاپنی همان قدر شعر شاملو را می فهمد و از آن بهره مند می شود که یک فارسی زبان ایرانی، یا همان قدر شعر شاملو را نمی فهمد و از آن بی نصیب می ماند که یک فارسی زبان ایرانی. مفاهیمی که در شعرهای او آمده اند، چنان نیستند که برای ایرانی آشنا و برای غیر ایرانی بیگانه و غریب باشند. همه این پراگماتیسم را کرد تا به این نتیجه برسم که در شب ۲ مرداد سال ۱۳۷۹ یکی از درخشانترین ستارگان شعر و ادب جهان معاصر خاموش شد. کل واقعیتی که پیشتر به آن اشاره کردم، همین است.

اما بگذارید مسأله شعر و ذهن شاعرانه و ملاحظات مربوط به آن را بگذارم تا دوستان شاعرانم. که بی تردید واردترند و ذیصلاح تر از من هستند. به آن بپردازند. من فقط به یادآوری یک نکته اکتفا می کنم و آن این که رها بودن ذهن شاعرانه از قید و بندهای زندگی روزمره، لابلایگری یا خوشبختی یا حتی برج عاج نشینی روشنفکران را به دنبال نمی آورد. بلکه از دیدگاه شاملویی، مسئولیت، تعهد اجتماعی را جدی تر و سنگین تر می کند. و در این زمینه ترجیح می دهم به جای این که من روضه بخوانم. حرفهای خود شاملو را نقل کنم. در مصاحبه مفصلی با شاملو که متن آن در «دفترهای زمانه» در مهر ۷۰ در آمریکا منتشر شد، او در توضیح علت دلبستگی

گردهمایی امروز ما، هم چنان که می دانید. برای ادای احترام به بزرگمرد فرهنگسازی است که درگذشتش در شب ۲ مرداد. همه جامعه آگاه و اندیشه ورز ما را در اندوهی جانکاه و غیر قابل بیان فرو برد. این ادای احترام. اما به معنای ادای دین نیست. ادای دین به قلم سربلند و استواری که نفس حضورش در شش دهه اخیر. از نشانه های راهنما و جهت یاب برای بسیاری از روشنفکران و اهل ادب در جامعه ما بوده. و کیفیت و کمیت انبوه کارهای هنری، ادبی و تحقیقی او. با وجود تبعید و تحریم بیست ساله اش در خاک میهن. در حدی است که نسلی بعد از نسل او را سیراب خواهد کرد و بر آنها اثر خواهد گذاشت. اگر برای هم عصرائش اساسا میسر باشد. دست کم به این زودبیا ممکن نخواهد بود و به گذشت زمان نیاز خواهد داشت. اما سر فرودآوردن در برابر این قله رفیع شعر و ادب و ادای احترام به بزرگمرد وارسته آزاده ای که هر چند در زندان زیست و در زندان مرد. اما هیچ گاه تن به اسارت نداد. وظیفه امروز ماست. یا به زبان سیاسی به مثابه نوعی اعلام موضع است در برابر حادثه بزرگی که روی داده و نمی توان بی اعتنا از کنارش گذشت.

من اگر از درگذشت شاملو به عنوان از دست رفتن بزرگترین شاعر معاصر میهنمان یاد کنم. تقریبا یقین دارم که شما به من ایرادی نخواهید گرفت. چون احتمالا خودتان هم چنین نظری دارید. فکر هم نخواهید کرد که دارم اغراق می کنم چون می خواهم هندوانه زیر بغل او بگذارم. شاملو تا زنده بود یک کشش از این نوع هندوانه را. که مرتب زیر بغلش می گذاشتند. به زمین ریخته بود تا سبکیال باشد. حالا. پس از مرگش چه نیازی به هندوانه خیالی من دارد؟ با این همه. من چنین حکمی نمی کنم. چون به گمان این حکم فقط بخشی از واقعیت و بازگو می کند و تقلیل دهنده کل واقعیت است. البته درست است که شاملو شاعر است و شاعر. بر وزن فاعل، برای من ناوارد. خالق شعر را به ذهن متبادر می کند. ولی از دیدگاه شاملویی. این تداعی درست نیست. از نظر او در جریان پدیدآمدن شعر. شاعر فاعل نیست بلکه خودش مخلوق عاملی است که او آن را. ذهنیت شاعرانه می نامد. این ذهنیت شاعرانه یا روح شاعرانه یا استعداد الهام پذیری یا هر اسم دیگری که به آن بدهید. به این یا آن محل جغرافیایی. به این یا آن قوم. به این یا آن نژاد و به این یا آن زبان وابسته نیست. جوهری واحد و همه جا حاضر است. وقتی شاملو می گوید: «من به شعر نمی پردازم. شعر به من می پردازد. من هیچ وقت شعری را به عنوان مشغله ذهنی توی سرم ندارم. شعر خودش در یک لحظه پیدا می شود و به من دستور می دهد که بنویسمش و می نویسمش». من از این حرف او نتیجه می

بزرگداشت احمد شاملو توسط

شورای ملی مقاومت

روز شنبه هشتم مرداد. مراسم گرامیداشت احمد شاملو. شاعر بزرگ و ملی ایران، به دعوت شورای ملی مقاومت در پاریس برگزار شد. آقای دکتر منوچهر هزارخانی، مسئول کمیسیون فرهنگ و هنر شورای ملی مقاومت که مسئولیت این مراسم را به عهده داشت. از شاملو به عنوان یکی از درخشان ترین ستارگان شعر و ادب جهان یاد کرد. متن سخنرانی آقای هزارخانی در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است.

در این مراسم نمایشگاه عکسی از احمد شاملو، شامل عکسهایی از سنین کودکی تا ایام پایانی عمر او. به نمایش گذاشته شد.

مسئولیت خطیر و خطرناک به عهده نویسنده می افتد. نویسنده باید درک فردیش را تعمیم بدهد و به صورت شعور توده دربیانورد... وقتی به دنبال این فکر برویم که نویسنده باید درک و تجربه اش را تبدیل کند به شعور عام. به شعور توده. آن وقت است که گرانی این بار را حس می کنیم. در جایی دیگر او به میان حرف مصاحبه کننده می دود تا یادآوری کند که این تعهد. فقط یک موضع نظری نیست. در گرفتاریهای عملی روزمره هم مصداق دارد. «ایدا یک روز حرف بزرگی به من زد. گفت اگر دستگیر شدی. سرشکسته پیش من بزرگمرد... خط نبود که به من داد. دلگرمی به من داد. چون می داند ممکن است حضور او برای من تبدیل به نقطه ضعف بشود [گفت] که اگر از پشت تلویزیون برگشتم خانه. دیگر آیدا نخواهد بود. این را نه با عنوان اتمام حجت. بلکه به عنوان تایید من گفت.

و همه یادمان هست که چند سال پیش از این. در دوره زمامداری پدر خوانده مافیای حاکم. که لقب سردار سازندگی به خود داده بود. نهیب پر صلابت شاملو بود که جمعی از نویسندگان و اهل ادب را از افتادن در دام حکومت - یا به قول خودش از خوردن غذای فاسدی که بوی گند می داد - باز داشت. طی بیست سال حاکمیت استبداد دینی. احمد شاملو. به جرم سر فرود نیلورن در برابر توحش مجسم. محکوم به انزوا و محروم از حق بیان و نشر بود. او این همه را. در حالی که از بیماری قدیمی و کهنه اش هم رنج می برد. تحمل کرد ولی کارش را - که به قول خودش پیش بردن مبارزه فرهنگی بود - تا دم مرگ هیچ گاه وانگذاشت. تو نمی دانی قریب یک عظمت وقتی در شکنجه یک شکست نمی ناند

چه کوهی است!

تو نمی دانی نگاه بی مژه محکوم یک اطمینان

وقتی که در چشم حاکمان یک حساس خیره می شود

چه دریایی است!

تو نمی دانی مردن

وقتی انسان مرگ را شکست داده است

چه زندگی است!

خاطره اش جاودان باد.

خاصش به حافظ گفته است: «از نظرگاههای مختلف می توان به حافظ پرداخت. برای من جالبترین جنبه حافظ. جنبه مبارزه جویانه اوست. مردی که در پرفریب ترین دوره های تاریخی مملکت. که خانقاه بازی و رباکاری و عوام فریبی به اوج رسیده. تنها - می گویم تنها. البته می شود مثلا عبید را هم کنار او نشانند. ولی عبید مسأله دیگری است - تنها در مقابل شیخان خانقاهی می ایستد و شروع به افشاگری می کند. و این در شرایطی است که آدمکشهایی مثل امیر مظفر و پسرش شاه شجاع. از این خانقاهها و از این زهدبازیهها برای مشروع جلوه دادن حکومتشان استفاده می کردند. و در واقع خانقاهها شریک دربار بودند. این جنبه اجتماعی - سیاسی حافظ در مرتبه اول برای من فوق العاده مهم بود.

و چند سطر پایین تر دوباره تاکید کرده است: «من یک بار در گفتگویی راجع به حافظ گفتم. اگر ما نتوانیم تعهد و مسئولیت را از حافظ یاد بگیریم. دست کم باید از حافظ خجالت بکشیم. مردی در آن روزگار وانفسا. یک تنه جلو قشربها می ایستد و تو سرشان می زند و زهدشان را معادل ریا می آورد... این جنبه مبارز بودن با تمام گوشت و پوست و عصب است که برای من یک سرمشق است. سرمشق زندگی: و آن حقیقت جوییش که می گوید:

رند عالم سوز را با مصیحت بینی
چکار کار ملک است آن که تدبیر و
تأمل بایش

او در مورد کتاب کوچک. در مقابل این سؤال که آیا شده است که به خاطر گرفتن اجازه نشر. به خودسانسوری تن دهید؟ گفته است: نه. برای این که اجازه دادن به سانسور شدن یک نوع تسلیم است. من حتی ترجیح می دهم اثری که دستور می دهند مثلا فلان جایش را باید حذف کرد. اصلا منتشر نشود.

در سراسر زندگی اجتماعی و فعالیتهای ادبی و هنری شاملو. این پایبندی به مسئولیت پذیری و تعهد چشمگیر است. او. برای آن که به این احساس وظیفه برسد. مجبور شد در بحبوحه جوانی خودش را اعدام کند:

نه آتش دارم

نه داعی خواندم

خنجر به گلویش نهادم

و در احتضاری طولانی

او را کشتن

آهنگی فراموش شده را در تنبوشه گلویش
قرقره کرد

و در احتضاری طولانی

سرد شد.

اما وقتی به این احساس مسئولیت رسید تا پایان عمر پر بارش به آن وفادار ماند. او. در همان مصاحبه پیشگفته. در برابر این سؤال که در ترجمه قصه ها آیا هدف خاصی را دنبال می کرده یا نه زیبایی داستان انگیزه اصلی او بوده است. جواب داده: «من. دست کم در ابتدا. به دنبال زیبایی نیستم. دنبال اینم که تجربه بی را منتقل کنم. و اصولا معتقدم که از همین جاست که مسئولیت.



ميلاد آن كه عاشقانه بر خاك مرد

در شهادت احمد زيبير

نگاه كن چه فروتنانه بر خاك مي گسترده
آنكه نهال نازك داستان
از عشق

خداست

و پيش عصيانش

بالاي جهنم

پست است.

آن كو به يكي «آري» مي ميرد

نه به زخم صد خنجر.

و مرگش در نمي رسد

مگر آن كه از تب وهن

دق كند.

قلعه بي عظيم

كه طلسم دروازه اش

كلام كوچك دوستي است.

۲

انكار عشق را

چنين كه بي سرسختي پا

سفت كرده اي

دشنة بي مگر

به آستين اندر

نهان كرده باشي. -

كه عاشق

اعتراف را چنان به فرياد آمد

كه وجودش همه

بانگي شد

۳

نگاه كن

چه فروتنانه بر درگاه نجابت

به خاك مي شكند

رخساره بي كه توانش

مسح

نيارست كرد

چه فروتنانه بر آستانه تو به خاك مي افتد

آنكه در كمركه دريا

دست

حلقه توانست كرد

نگاه كن

چه بزرگوارانه در پای تو سر نهاد

ان كه مرگش

ميلاد پر هياهو هزار شهزاده بوده

نگاه كن!

پرواز را به خاطر بسپار، پرنده مردنيست

- آناهيتا - الف

شمع زندگي احمد شاملو. يكي از شاعران بزرگ معاصر ايران. خاموش شد. او هنر را در جهت خدمت به مردم مي دانست و متناسب با زمان و موقعيت سياسي و اجتماعي ايران شعر مي سرود و بنا بر اين يكي از پرشورترين مبارزان راه رهايي عليه استبداد ننگين سلطنتي و استبداد قرون وسطايي ولايت فقيه بوده و هيچ گاه حتي در زمان پيري و بيماري دست از مبارزه نكشيد. عجيب نبود كه باند خاتمي در مقابل مرگ اين شاعر بزرگ سكوت كرد و باند ذوب در ولايت فقيه او را وابسته به شاه و يا ضد انقلاب دانستند و خواندن سرود ميهني، در روز به خاك سپردن او را سبكرانه به حساب آوردند. شاملو با اشعار زيبايش از وضع نابهنجار اجتماعي ايران سخن گفت. او عينيست جامعه امروز ايران را بهتر از هر كس ديگري در اشعارش نمودار ساخت. او از تازيانه خوردن عشق، كشتن چراغ، جراحي شدن تبسم بر لبها، سخن گفتن و ملايان را نصايباني ناپيد آن هم با «كنده و ساطوري خون آلود» چه كسي بهتر از او كه تا لحظه مرگ شاهد تاخت و تازهاي ملايان و كشتار هزاران تن از رشيدترين فرزندان اين خلق بود. مي توانست به اين زيبايي سخن به زبان بياورد؟! افسوس كه رژيم آخوندي حسرت چاپ كامل مجموعه كتاب كوجه، اثر بزرگش را بر دل شاعر گذاشت.

بعد از قيام بهمن ۵۷، بر ويرانه هاي رژيم استبداد سلطنتي، استبداد قرون وسطايي ولايت فقيه بنا شد و آرمانهاي ميليونها انسان ستمدیده برای آینده ای بهتر، عادلانه و رها از استثمار، به سرعت رفت و جای خود را به واقعیت فاجعه بار امروزی داد. شاملو که خود یکی از مدافعان منافع زحمتکشان در سراسر جهان بود به خوبی لمس می کرد که کارگران زیر فشارهای خردکننده اقتصادی و اجتماعی له می شوند تا کلان سرمایه دارهای بازار و سرمایه داران نوکیسه رشد یافته، میلیونها دلار به حسابهای خارج خود انتقال داده و ثروت ملی کشور را به باد دهند. اینجا بود که آواز «کیاب قناری» و «ایلیس پیروزمند مست» سخن به میان آورد. شاملو در اشعارش انتظار آینده ای روشن و جامعه ای آزاد از قید و بندهای استثمار و استعمار برای ایران آرزو می کرد که «مهربانی با زیبایی یکسان شود». حتی اگر آن روزها شاملو دیگر در جهان نباشد.

شاملو می گفت: روزگار غریبیست نازنین. شاملو نازنین کجایی؟ تا من برایت بگویم که در خارج از کشور هم

مبارز خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و ارتجاع شاملو مدافع پیگیر کارگران و زحمتکشان

--- مهدی سامع

احمد شاملو در طی زندگی پر بار خود، همواره برای آزادی اندیشه و بیان، آزادیهای سیاسی و اجتماعی، رهایی انسان و عدالت مبارزه کرد. وی یک مبارز عالیقدر برای تحقق حقوق ستمدیدگان بود. او در کار شعر، ترجمه، تحقیق و کار روزنامه نگاری همواره از حقوق کارگران و زحمتکشان و از پیکارگران جنبش انقلابی حمایت کرد. شاملو با ترجمه سرود انترناسیونال که در کتاب جمعه ویژه اول ماه مه به چاپ رسید، با برگردان اشعاری از انگلستان هیوز تحت عنوان سیاه همچون اعماق آفریقای خود، با برگردان اشعاری از «مارگوت بیکل» تحت عنوان «سکوت سرشار از نا گفته هاست»، با ترجمه کتاب بگذار سخن بگویم و با ترجمه رمان بزرگ «دن آرام» اثر شولوخوف و جهتگیری سیاسی - اجتماعی خود را به نحو بارزی نشان داده است. کنکاش و تعمق در اشعار وی که در کتاب «مدایح بی صله» به چاپ رسیده، عمق دیدگاههای او را نشان می دهد. کارهای او در زمینه مطبوعاتی، به ویژه انتشار کتاب هفته، «مجله خوشه» و کتاب جمعه، نشان می دهد که شاملو یک مدافع پیگیر مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و یک طرفدار استوار جنبش انقلابی بود. اشعار شاملو که برای انقلابیان شهید در دو رژیم شاه و شیخ سروده، احساسات و عواطف انسانی و انقلابی او را نشان می دهد. شاملو همواره در جبهه مردم و انقلاب قرار داشت و بدین خاطر او را باید یک پیکارگر راه آزادی، دموکراسی، مدرنیسم و عدالت نامید. بسیاری می کوشند تا با برداشت کلیشه ای از بعضی سخنان شاملو، او را یک روشنفکر غیر سیاسی معرفی کنند. این چنین برداشت کلیشه ای البته در جنبشهای انقلابی یک صد سال اخیر بسیار رایج بوده است. برداشت کلیشه ای از آثار مارکس و لنین و بسیاری بزرگان دیگر (با وجود این که در بسیاری موارد صادقانه بوده است) به بسیاری فاجعه های بزرگ انجامیده است. اکنون نیز همین برداشت از بعضی سخنان احمد شاملو که در زمان مشخص و برای هدف مشخصی بیان کرده، ممکن است بعضیها را به این نتیجه برساند که شاملو یک شخصیت صرفاً ادبی و هنری بود. خصوصت آشتی ناپذیر طرفداران شاه و شیخ با شاملو بطلان این نظر را آشکار می کند. شاملو البته یک مدافع پیگیر مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و یک طرفدار استوار جنبش انقلابی بود. شاملو البته وابسته به یک گروه خاص نبود، اما او جنبش انترناسیونالیستی برای رهایی انسان بود و بدین لحاظ یک روشنفکر متعهد و یک سیاستمدار شورشی بود.

یادداشت و گزارش

الف. ش. مفسر

مرگ شاملو طلوع بی غروب «بامداد»

احمد شاملو روز دوشنبه سوم مرداد درگذشت و با مرگ شاملو، مردم ایران، شاعری بزرگ، انسانی شریف و ارجمند و مبارزی خستگی ناپذیر در راه آزادی و اعتلای حریت انسان را از دست دادند. شاملو نیم قرن در خدمت به فرهنگ میهن خویش و مقاومت در برابر دیو استبداد تلاش و مبارزه کرد و گزافه نیست اگر بگوییم نام شاملو با شعر در این بن بست خود به پرچم مقاومت و مبارزه فرهنگی مردم و روشنفکران ایران، در برابر رژیم تبدیل شد. شاملو این شعر را در ۳۱ تیر ماه سال ۵۸ یعنی تنها چند ماه بعد از به قدرت رسیدن خمینی در ایران سرود که برای اولین بار در روزنامه بامداد ۲۰ مرداد همان سال همراه با مصاحبه یی با شاملو به چاپ رسید. تنها یک هفته بعد از انتشار این شعر خمینی که از اوایل ورودش به ایران بارها، خشم خود را از روشنفکران و روزنامه ها و سازمانها و گروههای سیاسی اعلام کرده بود، در ۲۶ مرداد در یک سخنرانی ضمن اظهار تأسف و پشیمانی از این که چرا از اول جوبه های دار در میدانهای بزرگ بر پا نکرده و چرا گردانندگان همه احزاب و گروهها و مطبوعات را «درو» نکرده، دستور تعطیلی قله یی مطبوعات را داد. البته روزنامه بامداد در آن زمان تعطیل نشد بلکه چند ماه بعد در آستانه برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری، بعد از ۲ بار بمب اندازی به دفترش، دست اندکزارش صلاح را در تعطیل کردن روزنامه دیدند. به هر حال شاملو مثل چهره های فرهنگ ساز غیر مذهبی کشور، در روزنامه های رژیم تحریم شده بود، (به جز روزنامه نشاط در این اواخر کمی قبل از تعطیل شدنش). مرگ شاملو، کسانی را که شاملو را تحریم و بزدن اسمش را ممنوع کرده بودند، در وضعیت بدی قرار داد. چون تردیدی نبود که مردم، شاعر بزرگ و مبارز میهن خویش را با جلال و شکوهی در خور به خاک خواهند سپرد و در این راه، نه بیمی از انصار حزب الله و سربازان گمنام امام زمان به خود را خواهند داد، نه اگر ممنوعیتی برقرار شود، وقعی به آن خواهند گذاشت. سکوت در این زمینه هم، خود یک نوع اعلام موضع و واکنش بود اتفاقاً با مفهوم کاملاً روشن، مثل سکوت خامنه ای و خاتمی و «رضا شاه دوم». وزیر ارشاد رژیم، پس از دو روز تأخیر به خانواده شاملو و جامعه ادبی تسلیت گفت و یک مدیر کل وزارت ارشاد در مراسم تشییع او شرکت کرد. روزنامه دولتی ایران که در شماره ۴ مرداد درگذشت شاملو را با تیتیر «جهان شاملو» از دست داد، چاپ کرده بود، خشم پاسدار شریعتمداری را برانگیخت. پاسدار

توات ساز گرداننده کیهان، در شماره ۶ مرداد کیهان ضمن انتقاد از این تیتیر روزنامه ایران نوشت: «در صفحه سوم همین روزنامه مدحی برای شاملو نوشته شده که اگر کسی او را نشناسد خیال می کند طرف از اولیا، الله بوده است». شریعتمداری و برادر همکار و هم مسلکش حسن شایانفر، بعد از سرکوبی تظاهرات دانشجویان در تیر ماه سال ۷۸، جو رعب حاصل از این سرکوبی را فرصتی مناسب برای پریدن به شاملو یافتند و با گشودن پرونده قتل برای شاملو در کیهان ۲۷ تیر، بیضه این شیر سالخورده را دندان گرفتند. روز بعد سگان پاسدار ولایت فقیه در روزنامه رسالت، با نقل مطلب کیهان همان کار را تکرار کردند.

گزارشها از مراسم تشییع جنازه شاملو، حکایت از شرکت چشمگیر جوانان داشت که با در دست داشتن شاخه های گل در این مراسم حضور یافته، شعرهایی از شاملو زمزمه می کردند و سرود می خواندند و اشک می ریختند. مراسمی که به نوشته یکی از روزنامه های جناح هار به عزاداری شبیه نبود. طبیعی بود که مراسم تشییع جنازه مردی که ستایشگر انسانیت و عشق و زندگی بود، با «عزاداری» هیستریک و مقتضایاتی که برای خمینی برگزار شد متفاوت باشد. خمینی دشمن همه آن چیزهایی بود که شاملو عاشق آن بود، و طبیعی بود که این دو هواداران و شیفتگانی از نوع خود داشته باشند. شاملو در عین حال که به میهن خود ایران و زبان فارسی عشق می ورزید، یک جهان وطن و شهروند جهانی بود. آن گونه که خود در یکی از مصاحبه هایش در مورد هویت خود گفته بود: «من خویشتاوند نزدیک هر انسانی هستم که خنجر در آستین پنهان نمی کند. نه ابرو به هم می کشد، نه لیخنندش ترفند تجاوز به حق نان و سایبان دیگران است. نه ایرانی را به ایرانی ترجیح می دهم، نه ایرانی را به ایرانی. من یک لر بلوچ کرد فارسم، یک فارسی زبان ترک، یک آفریقایی اروپایی استرالیایی آمریکایی آسیایی ام. یک سیاه پوست زردپوست سرخپوست سفیدم که نه تنها با خودم و دیگران کمترین مشکلی ندارم، بلکه بدون حضور دیگران وحشت مرگ را زیر پوستم احساس می کنم. من انسانی هستم در جمع انسانهای دیگر بر سیاره مقدس زمین، که بدون دیگران معنایی ندارم. بله چنین آدمی هواداران و شیفتگانی از نوع خود داشت که آن مراسم را آن طور با شکوه برگزار کردند. حضور چشمگیر جوانان در این مراسم، سبب شگفتی ناظران و دست اندرکاران برگزاری این مراسم (از اعضای کانون نویسندگان ایران) شده بود. بی تردید جوانان شرکت کننده در این مراسم، در چند روزی که از مرگ شاملو تا زمان تشییع جنازه او مطالب و اطلاعاتی در مورد او منتشر شد، با شاعر تحریم شده از سوی محافل قدرت، آشنا نشده بودند و در ظرف آن چند روز به ناگهان چنین احساس و محبتی به او

در دلشان پیدا نشده بود. شاملو از طریق نوار اشعارش یا شعرهایی که ترجمه های آن را خوانده بود، در خانه های بسیاری از مردم حضور داشت و از آن جا که او «درد مشترک» را فریاد می کرد، بر آنها نیز تأثیر می گذاشت. از همین رو جوانان و مردم آگاه و دوستدار فرهنگ و ادب و دوستدار شاملو، به خوبی می توانستند تشخیص بدهند که آن تجلیالها و تسلیتها، کدامشان چیزی مثل فاتحه برای اهل قبور و یا برای خرج کردن، شاملو است و کدامشان از روی ارادت و قدرشناسی نسبت به این شاعر شاه و شیخ و استبداد ستیز. اما جایگاه شاملو چنان بود که تحریم کنندگانش، برای خرج کردن او ناچار از تجلیل و تکریم او بودند.

قضاوت نادرست

اینجا در خارج کشور، بهترین تجلیل از شاملو به گمان من شناخت ارزش کار او و شناخت اهمیت مقوله مقاومت فرهنگی و ارج گذاشتن به کسانی است که در این زمینه در این ۲۰ سال حکومت قرون وسطایی روضه خوانها کار کرده اند. این مسأله را به این دلیل با اهمیت می یابم که حتی آدمی مثل خود شاملو که اکنون می بینیم که مورد تجلیل همه قرار گرفته، اینجا در خارج کشور نزد برخی مورد بی مهری بود، به یاد دارم که حتی بعد از مصاحبه شاملو با رادیو پژواک در سوند که موضع قاطعی در برابر شرایطی که رژیم می خواست برای تشکیل کانون نویسندگان ایران تحمیل کند گرفت و آن را به گوشتی که بوی گند می دهد تشبیه کرد، دیدگاههای مورد اشاره، تغییری نکرد. چنین دیدگاههایی البته بیشتر ناشی از سالها دوری از مردم و در بین مردم و ملا، طبیعی خود نبود و عدم شناخت وجوه مختلف مبارزه مردم با یک رژیم سرکوبگر درنده خود و عوامل مؤثر در این مبارزه است. این دیدگاه بر این استدلال استوار بود که وقتی رژیم این همه جنایت علیه مردم کرده و می کند، آدمی با نام و آواز شاملو وقتی به خارج می آید و علیه رژیم حرفی نمی زند و به ایران برمی گردد، به رژیم خدمت می کند. صاحبان این طرز تفکر اصولاً آن چه حاصل کار فرهنگی در داخل است، به خاطر این که با اجازه وزارت ارشاد رژیم منتشر می شود، مال رژیم می دانند. طبعاً با این منطق تولید کننده (نویسنده، شاعر یا فیلمساز) هم رژیمی و خادم رژیم می شود. تا مرگ شاملو، هیچ نشانه یی مبنی بر این که تغییر در کار و روش شاملو به وجود آمده باشد، دیده نشده. اما قضاوت همگان در مورد او نشان می دهد که او انسانی شریف و شاعری آزادخواه و در خدمت میهن خویش بود.

آن قضاوت به همان روشنی نادرست و ناحق بود که امروز روشن است که نمی توان شاملو را به خاطر آن که روزنامه دولتی ایران از او تجلیل کرده، یا وزیر ارشاد رژیم درگذشتش را تسلیت گفته،



فردی دانست که در خدمت رژیم بوده است. صاحبان این گونه تفکر - که البته تعدادشان زیاد نیست - اگر خود را از مبارزان راه آزادی و ضد رژیم می دانند باید پیوسته افکار عمومی و مردم را ناظر و داور گفتار و کردار خود بدانند و خوب است این شعر حافظ را در نظر داشته باشند که گفت: «صنعت مکن که هر که محبت نه راست بخت / عشقش به روی دل در معنی فراز کرد / فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید / شرمند زهری که عمل بر مجاز کرد». و گر نه به بیراهه خواهند رفت و دستاوردی که در خور رنجها و مصائبی که تحمل کرده اند، برای مردم کسب نخواهند کرد.

قهرمانان تاریخی و بزرگان فرهنگ و ادب

من گاهی فکر می کنم و از خود سؤال می کنم که مثلاً چرا بابک خرم دین که ۲۰ سال مبارزه و مقاومت نظامی در برابر اجداد خمینی و خاتمی و خامنه ای را سازمان داد و به پیش برد و سرانجام نیز قهرمانانه در این راه جان باخت، به اندازه حافظ که شعر می گفت و نقاب از چهره ریاکاران می افکند، عشق می ورزید و می می نوشید و به سر و ریش مفتی و محتسب و شاه و فقیه می شاشید، در زندگی مردم نتوانسته حضور پیدا کند (تازه در زمانی که او می زیست نه تعداد با سوادان مثل امروز بود، نه امکانات چاپ و نشر و وسایل ارتباطی مثل امروز وجود داشت)، یا حتی در زمان خود ما، شاملو چنین حضور عالم گیری در بین ایرانیان پراکنده در سراسر دنیا دارد و در مورد قهرمانان تاریخی چنین حضور دائمی را نمی بینیم. پاسخی که خود برای آن می یابم این است که شاید به این دلیل که قهرمانان تاریخی، مثل بابک یا مثل ستارخان، در یک شرایط تاریخی خاص برای انجام مسئولیت و وظیفه یی خاص که مربوط به همان زمان می شده پیدا شده و به پا خاسته اند و موفق یا ناموفق، نقششان در همان زمان به پایان رسیده است، اما حافظ و کسانی چون او با خویشتن خویش آدمها و آنچه

بقیه در صفحه ۷

شکيبایی و شهادت در جدال با شیادی شیوخ

- مسعود خواجه علی

برای من جالبترین جنبه حافظ، جنبه مبارزه جویانه اوست (احمد شاملو)

آیدا یک روز حرف بزرگی به من زد گفت اگر دستگیر شدی سرشکسته پیش من برگرد (شاملو)

با درود بر همسر ارزشمند شاعر خلق، شاملو و با آرزوی صبر و استقامت بی پایان برای خانواده او و همه دوستدارانش.

سالهای زیادی بود که من هم مثل خیلی از دوستداران شاعر بلند آوازه ایران، آرزو می کردم که جایزه نوبل به او تعلق بگیرد. در بحثها با بعضی از دوستان در مورد شاملو که ساعتها طول می کشید، گاهی در سکوت و خاموشی فردی می رفتم و گویگاهی از او گله می کردم. از این که مفسوم عمیق مبارزه فرهنگی شاملو علیه ارتجاع را به درستی و شفافیت درک نمی کردم، گاهی غمگین می شدم و مدتها در فکر و خاموشی فرو می رفتم. وقتی ارتجاع با سلاح جامعه مدنی به جنگ خلق و آزادی شتافت و برای بی هویت نمودن و آلوده کردن روشنفکران دام افکند و به قول شاملو غذای فاسدی که بوی گند می داد برای آنها آماده نموده بود، در زیر حکومت جهل و جنون شاملو چون شمع سوخت و حافظ گونه اسیر و مبلغ دین فروشان نگشت و بسان خورشید در تاریکی درخشید. مفهوم عظیم مبارزه فکری و فرهنگی شاملو با مبتلا بودن به مریضه قند (دیابت) و در سنین کهولت و همگام شدن جماعتی از روشنفکران لائیک یا شیخ خاتمی برایم کاملاً ملموس بود، شاملو حافظ عصر ما

بود. در شعرهایش تا تک تک تحقیر شدگان همگام بود. به تسلیم شدگان و مبلغان تاریکی پوزخند می زد. او بار امانت سترگ ادبی عصر ما را در مقابل هجوم بی رحم فرهنگ ستیزان دین فروش به دوش می کشید. او دریایی از شکیبایی و صبر و تحمل بود. به راستی چه دشنامهای ناروایی که عمله ارتجاع نثار او نکردند. شاملو می دانست که این فحاشیها به خاطر ابراهیمهای در آتش است. چرا که آنها را دوست می داشت و به جرم دوست داشتن آزادگان مورد آزار قرار می گرفت شاملو آتششانی بود بی پایان. اقیانوسی از کلمات و عاطفه و احساس و انسانیت او خوشبختی همه انسانها را می خواست. او متعلق به تمامی مردم محروم و آزاده ایران و جهان است. شاملو با آیدا و سلاح احساس، عشق و قلم در خیمه نظام آتش برافروختند. شعله ای که هرگز خاموش نخواهد شد. شاملو از ابهت، نعره و فریب دیوار ارتجاع نهراسید. چرا که از مرگ هراسی نداشت. اگر چه زندگی را دوست می داشت. شاملو فرهنگی مسترقي و متعصبان را نمایندگی می کرد. از ارتجاع بیزار بود. او با احترام و عشق از انسان یاد می کرد و زن و مرد برایش یکسان بود. اشعار او نشانه شهادت و بی پروایی و آزاداندیشی و احساس و عاطفه اش بود. افکار و اندیشه اش از ریشه با شیادی و عوامفریبی در تضاد بود. بدین گونه بود که شیوخ به او دشمنی می ورزیدند و مردم به او عشق. شاملو شاعر امیدوار به آینده روشن مردمش و شکست اهریمن بود.

[احساس می کنم / در هر کنار و گوشه این / شوره زار یاس / چندین هزار جنگل شاداب / ناگهان / می روید از زمین (شعر ماهی از شاملو. که افتخارآمیز بدرد حیات گفت.

یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۶

در نهانخانه جان و زوایای روح آدمی می گذرد - که طبعاً از شرایط بیرونی هم تأثیر می پذیرد - سر و کار دارند و چون خویشتن خویشتن و سرشت آدمی که گرایش به زندگی، به زیبایی به دوست داشتن و مورد مهر قرار گرفتن و نیاز به آزادی دارد. در گذر زمان و در پی سده ها هم تغییری نمی کند. پس آنچه با این طبیعت و سرشت در تعارض است یا بر عکس با آن هماهنگ است، واکنشی در انسان بر می انگیزد که گذر زمان در این نوع واکنش تغییری ایجاد نمی کند. شاید بشود واکنش سرشت آدمی را با واکنش جسم و کالبد او در برابر محرکهای مثل گرما و سرما یا تأثیر گرستگی و تشنگی بر آدمی مثال زد که طبعاً در طی سده ها و هزاره ها تغییری نکرده اند. پاسخ درست به این سؤال البته در صلاحیت من نیست و گمانم فلاسفه باید به آن پاسخ بدهند.

نکته دیگر در مورد آدمیهای مثل شاملو این است که ایشان دارای منزلتهایی اجتماعی هستند که به خاطر نقص فردی و تأثیرگذاری بر اجتماع با کار فردی خودشان به وجود آمده است. مثلاً وقتی در سال ۱۳۶۰ شاملو شاعر شاعران، خورشید درخشان آسمان ادب ایران، نماینده شد. کارنامه او تا آن زمان چنان بود که این جمله برای توصیف آن، از سوی یک مبارز انقلابی سرشناس، مسئول سازمان مجاهدین خلق ایران، که با آن کارنامه آشنا بود و به آن ارجح می نهاد، به کار گرفته شد.

نکاتی از دیدگاههای شاملو

شاملو در بیشتر مصاحبه هایی که با او به عمل آمده، به نظر می رسد که سیاست را معادل یا به معنی تلاش برای کسب قدرت یا حفظ قدرت به هر قیمت، به کار گرفته که طبیعی است که روح آزاده و شاعر او، با چنین تلاشی بیگانه و از آن منزجر باشد. به همین دلیل، هر جا از او در مورد سیاست در کار و شعرش سؤال می شود، واکنش منفی شدیدی نشان می دهد. می شود مخالف این دیدگاه بود و آن را به نقد کشید و گناه کبیره بی نیست حتی اگر کسی بگوید که شاعر بزرگ ما، نظراتی در مورد سیاست ارائه داده که خاصیتی جز نفی مبارزه سیاسی به ویژه مبارزه سیاسی سازمان یافته ندارد. می شود در رد نظر شاملو، مورد واسلاوا هول را مثال زد که خود یک نویسنده و روشنفکر مبارز چکسلواکی و از امضا

کنندگان منشور ۷۷ بود. وی بعد از تحولات بلوک شرق، در سال ۱۹۸۹ به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد و هم اکنون رئیس جمهور کشور چک است. یا نلسون ماندلا را می شود مثال زد که خدمت بزرگی به تحولات مسالمت آمیز در وضعیت افریقای جنوبی کرد که با کنار گذاشتن از کار و مقام سیاسی، موفق به انجام نمی شد. گرچه نباید فراموش کرد که ماندلا در پست ریاست جمهوری کشورش به ایران سفر کرد و اولین شخصیت خارجی بود که از جمهوری اسلامی دکترای افتخاری دریافت کرد. به گمان من ابراز انزجار شاملو از سیاست را بیشتر باید به معنی هشدار در مورد خطر فسادآفرینی قدرت و دورنگه داشتن روشنفکران و هنرمندان از پذیرفتن نقش کارگزار برای راکر و محافل قدرت دید. چنان که خود او عمل نمی کرد، و گرنه او در مصاحبه بی که به آن استناد خواهیم کرد، از حکومت خود سخن گفته و شرکت نکردن در چنین حکومتی را قابل نکوهش دانسته است. بله می شود دیدگاههای شاملو را در مورد این یا آن مسأله مورد انتقاد قرار داد و به نقد کشید. اما کاری که نباید کرد، سانسور کردن شاملو و ساختن شاملویی دلخواه و بعد ستایش از اوست. شاملو قدیس نبود و خودش هم ادعا نداشت که هرگز خطا نکرده و نمی کند. با این همه او شاعر بزرگ و نامدار مین است.

در گفتگو با ناصر حریری که به صورت کتابی با عنوان در باره ادبیات هنر - دیدگاهها تازه، در سال ۷۲ در تهران به چاپ رسیده، در مورد التزام هنرمند از جمله می گوید: التزام هنرمند باید انسانی باشد، التزامی فارغ از قید و بند و فرقه گرایی و تحزب. التزامی فارغ از سیاست و تنها در راه تعالی انسان. همچنین در مصاحبه بی که در گاهنامه زمانه شماره نخست - بهرمه ۱۳۷۰ چاپ آمریکا) از او به چاپ رسید ضمن بحث در مورد شعری که برای وارطان گفته (مرگ نازی)، وقتی به او گفته می شود هر موقع با شما راجع به شعر به صحبتی نشسته ام پای سیاست به میان آمده آیا شعر از سیاست جدا ناشدنی است شاملو پاسخ می دهد: اسمش را سیاست نگذاریم. برای این که سیاست آن قدر کثیف است که حتی اگر عبارت به دامن شعر بنشیند آن را آلوده می کند. اینها شعر سیاسی نیست، شعر اجتماعی است و در ستایش انسان. چون سیاست در ذاتش جز رذالت و پسر سوختگی و فریب و دروغ و چاخان و تبلیغات و این حرفها، چیزی نیست. در قسمتهایی از مصاحبه با ناصر حریری که شاملو آن را برای نقل در گاهنامه دفتر هنر، خود بازبینی و تصحیح کرده است (شماره ۸ مهر ۱۳۷۶ - چاپ آمریکا)

در پاسخ به این سؤال، آقای شاملو آیا هنر و سیاست جایی به هم می رسند؟ گفته است: آد بله حتماً... هیتلر که آرزو داشت نقاش بشود عظیم ترین رنجگاه تاریخ، زان هاووزن را ساخت. ناصرالدین شاه هم شعر می سرود و هم نقاشی می کرد هم نقاش می پرورد اما برای یک تکه طلا می داد سارق را زنده رنده پوست بکنند. انسان برایش با بادمجان فرقی نداشت. خب بله یک جایی به هم می رسند: مثلاً با سر نعلش یکدیگر. در ادامه گفتگو در پاسخ به این سؤال که ولی بالاخره کدام یک جهان را نجات خواهد داد؟ هنر یا سیاست یا آسیریه بی از این هر دو - که در آن صورت بسا که هم جلا د پرورده شود هم منجی. شاملو ضمن اشاره به نظرات کافکا در مورد شعر و نظر افلاطون در مورد حکومت در رساله آرمانشهر می گوید: هنرمند بالقوه می تواند منجی جهان باشد. چرا که با یقین کامل حکم می شود. که استعداد جلا د شدن ندارد سیاست بازی و قدرت طلبی که لازم و ملزوم هم است. کار کسی است که لزوماً برای حیات ذیروحمی حرمتی قائل نیست و از دروغ بافتن و حیل در کار کردن و ویرانی و کشتار هراسی ندارد. اما شاملو در مورد نقش هنر خیالپردازی هم نمی کند. چون در ادامه صحبت خود می گوید: ... در جهان بی قانونی که اداره و هدایتش به دست اوباش و دیوانگان افتاده هنر چیزی در حد تنقالت است. با این همه وی در پایان پاسخ خود نتیجه گیری می کند: البته اگر روزی حکومت خرد برقرار شود، سیاست نیز معنای درستش را باز خواهد یافت. یعنی آن گاه این کلام آلوده، به ترمهای ارجمنی اطلاق خواهد شد که برای وصول به نظم و منطقی شایسته و در خور انسان به کار بسته می شود و هنر خالی کردن از مشارکت در آن به همان اندازه نکوهیده تلقی خواهد شد که امروز آلوده شدن به آن نکوهیده است. شاید در فرصتهای دیگر، نکات دیگری از دیدگاههای شاملو را نقل کنیم. مرگ شاملو، در واقع تولد دیگری برای این شاعر بزرگ و آغازیست برای شناختن بهتر او و کارهایش و طلوع همیشه بامداد، در آسمان ادب ایران. همان گونه که یکی از دوستان او (دکتر جواد مجابی) در مصاحبه با رادیو فرانسه گفت شاملو بسا شکوه زندگی کرد و به نظر من شاملو، نیز مثل حافظ بود آن گونه که در این بیت گفته: چرخ بر هم زبم از غیر مرادم گردد / من نه آم که زبونی کشم از چرخ فلک آری شاملو چنین بود.

اخبار کارگری -

اجتماع اعتراض آمیز کارکنان شرکت سنگ آهن مرکزی بافق

جمهوری اسلامی ۳۰ تیر: تعداد ۵۲۵ نفر از کارکنان قراردادی فصل ۱۳ شرکت سنگ آهن مرکزی بافاق برای تبذیر وضعیت استخدامی خود از پیمانی و قراردادی به رسمی و همچنین جلوگیری از خصوصی سازی شرکت اجتماع اعتراض آمیزی را برگزار کردند. معترضین در مقابل دفتر روابط عمومی شرکت تجمع کرده و بدون دادن هر گونه شعاری خواستار اجرای نامه مورخه ۱۲ فروردین ۷۸ شرکت ملی فولاد ایران شدند. آقای تشکری یکی از کارکنان مشمول فصل ۱۳ آیین نامه شرکت ملی فولاد در گفتگویی با خبرنگار ما در این رابطه اظهار داشت: در تاریخ ۱۲ فروردین ۷۸ به پرسنل مشمول اعلام نمودند که تبذیر وضعیت خواهید شد. فرمهای مربوطه توسط کارکنان تکمیل گردید. امور اداری شرکت با تاخیر، اقداماتی صورت داد لیکن در تاریخ ۹ تیر اعلام شد چون ۷۰ درصد از سهام شرکت سنگ آهن به قانون بازنشستگی شرکت ملی فولاد ایران واگذار شده و قرار است به صورت بخش خصوصی اداره شود از تبذیر وضعیت کارکنان خودداری شود. متعاقب این اقدام، کارکنان مشمول در تاریخ ۱۲ تیر دست از کار کشیده و در محل شرکت اجتماع کردند و سپس ۵ نفر را به عنوان نماینده انتخاب و نامی ای به عنوان رئیس جمهور تهیه و ارسال نمودند. در آن نامه آمده بود که با توجه به این که در حال حاضر تعداد ۳ هزار نفر بیکار در شهرستان بافق بلامتکلیف هستند و عملکرد شرکتهای خصوصی نیز در این شهرستان ضعیف بوده در واگذاری شرکت سنگ آهن به بخش خصوصی تجدید نظر به عمل آید. در بخش دیگر نامه مذکور که رونوشت آن به مقامات ذیربط ارسال شده آمده است: کارکنان طبق قانون موجود (ابلاغی مورخه ۱۲ فروردین ۷۸) خواستار تبذیر وضعیت استخدامی خود هستند زیرا در شهرهای اصفهان و شاهرود این قانون در باره کارکنان اجرا شده است. آقای تشکری در ادامه افزود: کارکنان مشمول فصل ۱۳ اعلام کرده اند مادامی که حکم قطعی "رسمی" آنان صادر نشود به اجتماع خود ادامه خواهند داد. وی اضافه کرد: در حال حاضر تولید با ظرفیت روزانه ۲۰ هزار تن در ۳

شیفت کاری به حالت تعطیل در آمده و حدود ۱۶۵ میلیون تومان در روز به این بخش خسارت وارد می شود. این فرد به نقل از کارکنان معترض گفت: پرسنل فصل ۱۳ قول مساعد داده اند در صورت تحقق خواسته هایشان و صدور حکم رسمی کلیه خسارات وارده را با تلاش مضاعف جبران خواهند کرد زیرا حاضر نیستند به بیت المال لطمه ای وارد شود. گفتنی است طبق قانون جدید مصوب، معادن آهن با ذخیر زیر ۱۵۰ میلیون تن خصوصی می شود. در این مصوبه جدید معادن گلگیر سیرجان و چادرملو مستثنی شده اند. در مورد معادن گلگیر در قانون مذکور آمده است که منطقه گلگیر مجتمع معدنی را تشکیل می دهد. یعنی مشتمل بر چند معدن در فواصل کم و زیاد می باشد این در حالی است که شرکت سنگ آهن مرکزی بافق نیز مشتمل بر چند معدن با بیش از ۵۰۰ میلیون تن ذخیره است که می بایست همانند گلگیر از خصوصی سازی مستثنی شود. بنا بر همین بند از مصوبه، مردم بافق و کارکنان شرکت از رئیس جمهوری خواسته اند تا از خصوصی سازی این شرکت جلوگیری بعمل آید.

در اعتراض به تعویق ۵ ماه حقوق

کارگران سیپورکس در مقابل وزارت کشور تجمع کردند رسالت اول مرداد: ۲۵۰ نفر از کارگران شرکت فراورده های ساختمانی سیپورکس با تجمع در مقابل وزارت کشور خواهان دریافت حقوق معوقه خود و اجرای قانون کار شدند. این کارگران در تجمع خود نسبت به آنچه آن را ضعف مدیریت بانک صنعت و معدن و اقدام به انحلال این شرکت خواندند، معترض بودند. مجید بیگ زاده که مدعی بود حدود ۲۵ سال در شرکت فراورده های ساختمانی سیپورکس کار کرده، گفت: از زمان مدیریت جدید بانک صنعت و معدن کارگران همیشه در اضطراب اخراج شدن به سر می برند. به گفته کارگران معترض شرکت "سیپورکس" تنها شرکتی است که در ایران ۷ نوع محصول ساختمانی تولید می کند. یکی دیگر از کارگران معترض گفت: بیش از ۵ ماه است که شرکت حقوق کارگران را پرداخت نکرده است.

اعتصاب در شرکت توسعه نیشکر

رسالت اول مرداد: کارگران سه واحد تولیدی شرکت توسعه نیشکر خوزستان به دلیل عدم دریافت حقوق مزایا دست به اعتصاب زدند.

تعطیلی بخشی

از کارخانه آلومینیوم سازی اراک و نگرانی ۸۱ هزار شاغل

همشهری ۲ مرداد: در پی شکوایت اداره کل حفاظت محیط زیست استان مرکزی به دادگستری مبنی بر آلوده سازی مستمر هوا از سوی کارخانه آلومینیوم سازی اراک، حکم تعطیلی بخشی از این کارخانه صادر و برای اجرا به نیروی انتظامی ابلاغ شد. مسئول روابط عمومی دادگستری استان مرکزی در گفتگو با خبرنگار همشهری در اراک گفت: در اجرای مواد ۱۶ و ۱۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا حکم تعطیلی خط پخت کارگاه احیای کارخانه مشتمل بر سالنهای ۴ و ۱۶ با تعداد ۱۶ دیگ و همچنین جلوگیری از فعالیت ۳۸ دیگ جدیدالاحداث در کارخانه توسط مقام قضایی صادر شد. حکم صادر دیروز به نیروی انتظامی ابلاغ شد تا با نظارت اداره کل محیط زیست استان نسبت به اجرای آن ابلاغ شود. یکی از مدیران شرکت آلومینیوم اراک در تهران به خبرنگار ما گفت: اقدام مراجع مربوطه علیرغم تعهدات پذیرفته شده از سوی مدیریت این شرکت برای استفاده از فن آوری روز این صنعت و جلوگیری از آلوده شدن محیط زیست انجام شده است. وی توضیح داد: مقامهای استان مرکزی به ویژه استاندار محترم در جریان تعهدات شرکت آلومینیوم اراک هستند و در این باره با تعطیل کردن بخشی از خط تولید موافقت ندارند. وی ادامه داد: با توجه به این که شرکت آلومینیوم اراک عمده ترین تولید کننده آلومینیوم در کشور است، این اقدام می تواند توانایی انجام تعهدات شرکت را در توزیع داخلی به مقدار زیادی کاهش دهد و ۸۱ هزار شغل در صنایع پایین دستی این صنعت را تهدید کند.

بیکاری بیش از ۸ هزار پزشک

همشهری ۳ مرداد: رئیس سازمان نظام پزشکی کشور گفت: اکنون ۵ هزار ردیف شغلی در شبکه بهداشت و درمان کشور خالی است و این در حالی است که ۸ هزار نفر از پزشکان جوان بیکار هستند. دکتر صدر که برای شرکت در مجمع عمومی سالانه نظام پزشکی استان کرمانشاه به این استان سفر کرده بود، افزود: به ازای هر یک هزار و ۲۷۵ نفر جمعیت کشور یک پزشک فعالیت دارد. وی گفت: تعداد اعضای سازمان نظام پزشکی کشور ۱۱۰ نفر است. دکتر صدر گفت: این تعداد شامل ۶۵ هزار پزشک، ۱۲ هزار پیراپزشک، ۹ هزار داروساز، دو هزار دکترهای حرفه ای علوم آموزشگاهی و ۲۲ هزار ماما است.

اعتراض کارگران کارخانه آهک صنعتی لرستان

کیهان ۱۶ مرداد: یکی از کارگران کارخانه آهک صنعتی لرستان واقع در جنوب پلدختر که خواست نامش فاش شود به خبرنگار کیهان گفت: ۵۲ تن از کارگران رسمی این کارخانه با گذشت نزدیک به ۳ ماه هنوز حقوق خود را دریافت نکرده اند. وی افزود ما برای تامین نیازهای اولیه مشکلات اقتصادی سخت در تگنا و مضیقه قرار داریم و از این که هر روز با دست خالی به خانه می رویم شرمند زن و فرزندان خود هستیم.

اعتراض کارگران جامکو به عدم پرداخت حقوق

جمهوری اسلامی ۶ مرداد: تعدادی از کارگران کارخانه پوشاک جامکو دیروز در اعتراض به آنچه که عدم دریافت حقوق خود می خواندند مقابل نهاد ریاست جمهوری تحصن کردند. این عده که حدود ۲۰۰ کارگر مرده و زن بودند، پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: "ما کارگران جامکو ۱۲ ماه است که حقوق دریافت نکرده ایم".

اعتراض جمعی از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به وضع حقوقی خود

جمهوری اسلامی ۱۷ مرداد: جمعی از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به وضع حقوقی خود تجمع نمودند. براساس این گزارش، عدم اجرای طرح نظام هماهنگ حقوقی در واحدهای وزارت بهداشت، فقدان مزایا، کمبود امکانات رفاهی، وجود تبعیض حقوقی بین پرسنل و بخشهایی از سطوح مدیریتی، عدم انطباق حقوق دریافتی با هزینه های سرسام آور زندگی و بی توجهی مسئولین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله اعتراضات کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود. این گزارش حاکی است تجمع کنندگان اعلام نمودند: در صورت بی توجهی مسئولین به خواسته های به حق خود، مجدداً در آینده مقابل استانداری به اعتراض خود ادامه می دهند.

۲۳ میلیون زیر خط فقر زندگی می کنند

روزنامه بهار ۹ مرداد: ۲۳ درصد از خانوارهای شهری و ۳۰ درصد از خانوارهای روستایی در سال ۱۳۷۷ زیر خط فقر نسبی قرار داشتند. یعنی ۳۵ درصد کل افراد کشور (۲۳ میلیون نفر) زیر خط فقر قرار گرفته اند. یک گزارش منتشر نشده در سازمان مدیریت و برنامه ریزی، حکایت از بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال قبل از آن دارد خط فقر محاسبه شده در این گزارش بر مبنای هزینه ناخالص خانوار برای خانوار متوسط ۵ نفر شهری حدود ۸۸۰ هزار و ۶۰۰ ریال و برای خانواده های روستایی حدود ۵۲۰ هزار و ۵۷۰ ریال است. در کشور ما ۱۰ درصد ثروتمندترین اقشار، درآمدی حدود ۳۱ درصد از کل مصرف جامعه را به خود اختصاص می دهند. این سهم برای ۱۰ درصد فقیرترین حدود ۱/۵ درصد است. یعنی ۱۰ درصد بالاترین سطح درآمدی خانوارها بیش از ۲۰ برابر فقیرترین خانوارها مصرف می کنند. بر مبنای این گزارش، این رقم در مقایسه بین المللی وضعیت مطلوبی را نشان نمی دهد.

زنان و مسیر رهایی

— نیلا

خاتمی در آلمان

سه شنبه ۱۱ ژوئیه: بنا بر گزارش آسوشیتدپرس خاتمی در دیدار خود با سران اقتصادی آلمان غربی که تحت برنامۀ ای با عنوان «آغازی نو» بوده است، از طرف رهبران اپوزیسیون آلمان به خاطر نقض حقوق بشر در ایران مورد مؤاخذه قرار می گیرد.

رهبران اپوزیسیون از شرودر، صدراعظم آلمان انتقاد کرده و گفتند که او سابق ایران را پرده پوشی کرده است. Ruprecht Polenz رهبر حزب محافظه کار دموکرات مسیحی آلمان در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: لازم است که علنا و برای عموم توضیح دهیم که حقوق بشر در ایران وضعیت خوبی ندارد و خانم مرکل از اعضا، این حزب در صحبت های خود با خاتمی مسأله نقض حقوق بشر و شرایط زندگی زنان در ایران را مطرح کرد.

سنگسار

دوشنبه ۱۷ ژوئیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی یک اطلاعیه از ۱۱ اعدام علنی در یک هفته یاد کرده است. همچنین یک زن ۳۰ ساله به نام مریم ایوبی محکوم به سنگسار گشته است. در این اطلاعیه آمده است که این سیزدهمین حکم سنگسار، در دوران ریاست جمهوری خاتمی است که ۶ تن از آنان زن بوده اند.

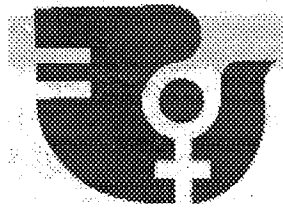
زنان خودسرپرست در ایران

دوشنبه ۱۷ ژوئیه: روزنامه همشهری در حال حاضر نزدیک به سه میلیون نفر از زنان کشور خودسرپرست هستند. دکتر ستاره فروزان، مدیر کل دفتر امور زنان و خانواده، در این باره می گوید: بسیاری از زنانی که دارای کمترین تجربه کاری و سرپرستی خانوار هستند ممکن است به ناگهان با وضعیتی ناگوار رو به رو شوند که مجبور به سرپرستی خانواده خود شوند. طبق تعریف این دفتر، زنان سرپرست خانوار شامل زنان بیوه، مطلقه، همسران زندانیان و حتی همسران سربازان می شود.

دختران دبستانی و حق پوشیدن لباس رنگ روشن

سه شنبه ۱۸ ژوئیه - وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد: از این پس استفاده از رنگ های شاد و روشن در مدارس ابتدایی مجاز خواهد بود به شرط این که زنده نباشد و با روح آموزش و فرهنگ هماهنگی داشته باشد.

در مورد پوشیدن چادر وزارت آموزش گفته است که چادر ارجحیت دارد و از آن به عنوان نشانه وقار و صلابت زنان و دختران جامعه اسلامی یاد کرده است.



دختران دبیرستانی شامل دستور جدید نمی باشند و همچنان باید از رنگ های سیاه، قهوه ای و آبی تیره استفاده کنند آنها نیاز به شاد بودن ندارند.

زنان ایران در قرن بیست و یکم چهارشنبه ۱۹ ژوئیه - اخبار تلویزیونی رژیم ایران، ۱۰ زن برای اولین بار برای شغل آتش فشانی و برای نخستین بار یک دوره فشرده آموزش را می گذرانند. یکی از زنان که در لباس یونیفرم زرد رنگ با روسری خاکستری به زیر کلاه خود بود از این که توانسته است چنین شغلی را بگیرد ابراز خوشحالی کرد. جمهوری اسلامی همچنین پس از گذشت ۲۰ سال از انقلاب اقدام به گماردن زنان به شغل پلیسی کرده است. محمدرضا خاتمی نیز پس از آن که به دبیر کلی جبهه مشارکت اسلامی انتخاب شد اعلام کرد که جبهه مشارکت آمادگی خود را برای حضور زنان در شورای مرکزی این جبهه و بدون در نظر گرفتن جنسیت اعلام می کند.

خودکشی و مواد مخدر در ایران

پنجشنبه ۲۰ ژوئیه - حجت الاسلام زم، رئیس سازمان فرهنگ و هنر تهران در جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران گفت که بنا بر آمار، تعداد خودکشیها، ۱۰۹ درصد بالا رفته است. روزانه ۵۰۰۰ کیلوگرم مواد مخدر فقط در تهران به مصرف می رسد و سن متوسط زنان خودفروش از سن ۲۷ سالگی به ۲۰ سال یعنی ۷ سال کمتر رسیده است. (این آمار مربوط به سال ۷۶ تا ۷۸ است). او همچنین گفت ۸۰ درصد ثروت جامعه در دست ۲۰ درصد است و ۳ میلیون بیکار و ۲ میلیون معتاد داریم.

مشکلات جسمانی دختران دانش آموز

سه شنبه ۲۵ ژوئیه - خبرگزاری دانشجویان ایسنا: ۹۷ درصد دختران مدرسه ای از بیماری پوکی استخوان رنج می برند. از ۱۵۰۰ دانشجوی دختر ۱۴۵۰ نفر مبتلا به بیماریهای استخوانی هستند که چنانچه مورد درمان قرار نگیرند احتمال بسیار می رود که قدرت حرکت را از دست داده و فلج شوند. دختران همچنین به خاطر لباس و روپوش بلند و روسری از ریزش مو و بیماریهای پوستی رنج می برند و معتقدند که مراکز ورزشی آنها بیشتر شبیه قفس و یا زندان است.

زنان پیش نماز

سه شنبه اول اوت - دولت جمهوری اسلامی برای اولین بار به زنان اجازه می دهد که پیش نماز باشند. علی اصغر نوری گفت: این مشکل بزرگی را در مدارس حل خواهد کرد.

مسعود کیمیایی

پنجشنبه ۳ اوت - مسعود کیمیایی به دلیل این که در آخرین فیلمش او به نام اعتراض- رعایت لباس اسلامی نشده و بدحجابی را تبلیغ کرده است به دادگاه احضار شد. این فیلم گویای اعتراضات جوانان به محدودیتهای اجتماعیست.

مددکاران زن در افغانستان

پنجشنبه ۲۰ ژوئیه - طالبان که از سال ۱۹۹۶ کنترل کابل، پسایتخت افغانستان را به دست گرفت. تا کنون که ۹۰ درصد خاک افغانستان را در اختیار دارد با حضور زنان در بین گروه های مددکاران بین المللی مخالفت کرده است. طالبان با این که در اوایل قدرت گیری خود این زنان را شصیداً تحت فشار قرار داد اما به مرور نرشمهایی نشان داد و به همین خاطر زنانی که کار خود را رها کرده بودند تدریجاً از طریق سازمانهای بین المللی به کار خود بازگشتند. اما آنها ناچار بوده اند که چادرهایی به سر کنند که تمام صورت و بدن آنها را بپوشاند. هفته پیش سازمان ملل متحد از دولت طالبان خواست که جواب قطعی و نهایی خود را برای کار زنان مددکار بدهد که طالبان و طرفدارانش به آنها پاسخ منفی و قطعی دادند. این پاسخ شصیداً نمایندگان سازمان ملل را متأسف و خشمگین کرد.

نیجریه و زنان

جمعه ۲۱ ژوئیه - زامفارا اولین ایالت نیجریه است که در این روز اعلام قوانین اسلامی کرد. مسیحیان ساکن این منطقه اعلام کردند که به قوانین اسلامی ترتیب اثری نخواهند داد. در ماههای مه و مارس گذشته، صدها نفر در درگیریهای بین مسلمانان و مسیحیان بر سر دستورات دینی و اسلامی در ایالت کادونا در این کشور کشته شدند و تعداد زیادی نیز به خاطر مهاجرت مسلمانان شمال این کشور به مناطق جنوب شرقی که اکثراً مسیحی نشین هستند درگیر و کشته شده اند. غیر مسلمانان به خاطر مجازاتهای سخت مسلمانان از قبیل قطع اعضا بدن یا انجام مجازاتهای اسلامی مخالف هستند.

در زامفارا دولت پس از اعلام قوانین اسلامی سوار شدن زنان به تاکسیهای موتور سیکلتی را ممنوع اعلام کرد و به همین جهت درگیریها از سر گرفته شد.

نیجریه دارای ۱۱۰ میلیون جمعیت است که از ملیتهای گوناگون تشکیل شده و دولتی سکولار است که در مناطق مسلمان نشین اجازه اجرای قوانین اسلامی را به تازگی داده است.

جنایت جنگی

جمعه ۲۱ ژوئیه - رئیس پلیس ویژه ارتش یوگوسلاوی به جرم این که یک زن اسیر جنگی که توسط سرباز زیر دست او و با حضور او با چاقو تهدید به مرگ شده و سپس مورد تجاوز قرار گرفته به ۱۰ سال زندان محکوم شد. سازمان ملل متحد در روز جمعه ۲۱ ژوئیه تجاوز به زنان را در دوران جنگ جنایت جنگی قلمداد کرد و اعلام کرد که این افراد باید در دادگاههای جنایتیای جنگی محاکمه شوند.

استرالیا و زنان مجرد

۲۲ ژوئیه - بنا بر قانونی مصوبه ۱۹۹۵ در استرالیا زنانی که برای دریافت اسپرم جهت باردار شدن اقدام می کنند باید دو شرط اساسی را داشته باشند.

۱- یا ازدواج کرده و با همسر خود زندگی کنند و دارای خانواده ای ثابت و مطمئن باشند.

۲- یا با مردی زندگی کنند و دارای یک رابطه طولانی و جدی باشند.

این قانون دارا بودن پدر و مادر را برای کودک ضروری می داند و هیچ تفاوتی بین زنان بدون همسر و زنان همجنسگرا قائل نیست و بدین جهت همجنسگرایان نیز مشمول این کار می شوند. در این ماه زنان مجرد در اعتراض به این قانون به دادگاه شکایت کردند.

شکایت زنان در دادگاه به پیروزی آنان ختم شد و قاضی دادگاه اظهار کرد که این قانون با قوانین فدرال که علیه تبعیض جنسی است مغایرت دارد. دولت محافظه کار استرالیا روز سه شنبه ۱ اوت با مطرح کردن این که کودکان نیاز دارند که از محبت و سرپرستی پدر و مادر بهره مند شوند گفت سعی خواهند کرد که این قانون را عملی کنند.

اسرائیل و قاچاق زنان

بنا بر گزارش سازمان عفو بین الملل در نشریه تابستان سال ۲۰۰۰، دولت اسرائیل در حفظ حقوق بشر زنان و دخترانی که از شوروی سابق به طور قاچاق جهت خدمت جنسی به این کشور آورده می شوند اقدامی نکرده و خود حقوق آنان را پایمال کرده است.

دولت اسرائیل با این زنان همان برخوردی را دارد که با جانیان دارد. این زنان به عنوان یک «کالا» توسط قاچاقچیان به هزاران دلار خرید و فروش می شوند و وادار به خودفروشی می شوند. دولت اسرائیل آنها را در محلهای مختلف دستگیر کرده و به زندان می اندازد و برخی را نیز اخراج می کند اما مردانی که مرتکب این عمل شده اند و یا به خرید و فروش این زنان دست زده اند کوچکترین مجازاتی شامل آنان نمی شود. سازمان عفو بین الملل می گوید که با این زنان هم دولت اسرائیل و هم قاچاقچیان طوری رفتار می کنند که انگاری آنان دارای حقوقی نیستند. خانم شیلا داور مدیر بخش حقوق بشر زنان سازمان عفو بین الملل می گوید اسرائیل موظف است که این زنان را از زندانها آزاد کرده و به خضونت و تجاوز علیه آنان خاتمه دهد.

در گوشه و کنار جهان



تهیه و تنظیم: جعفر پویه

ناگو

خبرگزاری فرانسه ۲ مرداد: سران هفت کشور صنعتی جهان و روسیه در خاتمه نشست سه روزه خود در جزیره اوکیناوا ضمن ابراز نگرانی از افزایش مخالفت با جهانی سازی قول دادند به ریشه های فقر و منازعات در جهان بپردازند.

سران گروه هشت همچنین بر اهداف بین المللی برای کاهش نسبت جمعیت بسیار فقیر کره زمین به نصف تا سال ۲۰۱۵ تاکید کردند. و علاوه بر این اعلام کردند نگرانیهای افکار عمومی در برابر جهانی سازی اقتصاد را مد نظر دارند. اجلاس اوکیناوا همچنین خواستار دادن شتابی تازه به آزاد سازی تجارت جهانی در بطن سازمان تجارت جهانی شد. سران گروه ۸ در خاتمه نشست خود اطمینان دادند که پس از شکست کنفرانس سیاتل (دسامبر ۱۹۹۹) خواستار دور تازه مذاکرات با دستور جلساتی بلند پروازانه، متعادل و جهانی که به سود کلیه اعضای سازمان تجارت جهانی باشد، شده اند. آنان همچنین خواستار برگزاری یک کنفرانس بین المللی پیرامون قاچاق الماس که منازعات و محرانیهای انسانی را به ویژه در آفریقا تشدید کرده شدند. در این حال، دوما تن از دانشجویان ژاپنی که صورتهاشان را پوشانده بودند برای دومین روز متوالی در مخالفت با نشست سران گروه ۸ و پیمان امنیتی توکیو - واشنگتن راهپیمای کردند. دانشجویان معترض در حالی که نیروهای پلیس دور تا دور آنان را گرفته بودند در نزدیکی قصر قدیمی شوری که سران برای صرف شام در آن به سر می بردند، شعارهای ضد آمریکایی سر دادند. یک سخنگوی راهپیمایان به خبرنگاران گفت که رهبران راهپیماییان به حمایتکاران جنگی هستند. اما ادعا می کنند برای صلح به اوکیناوا آمده اند.

سئول

خبرگزاری فرانسه ۵ مرداد: هزاران نفر از کشاورزان کره جنوبی که خواستار اقدام دولت برای محدود کردن واردات محصولات کشاورزی از آمریکا بودند در تظاهرات خشونت آمیز با پلیس ضد شورش درگیر شدند. بنا به این گزارش حدود ۱۰ هزار نفر کشاورز در جریان راهپیمایی خود به سوی دفتر کیم دای جونگ، رئیس جمهور کره جنوبی با پلیس ضد شورش که برای جلوگیری از حرکت آنها مداخله کرد به زد و خورد پرداختند. در این زد و خورد دست کم ده کشاورز مجروح به بیمارستان انتقال یافتند و حدود ۲۰ نفر نیز دستگیر شدند.

کشاورزان تظاهرکننده همچنین یک پرچم آمریکا را که در آن هندوانه و سیب زمینی ریخته بودند آتش زدند و بطریهای حاوی مواد آتش زا به سوی پلیس پرتاب کردند.

لیما

خبرگزاری فرانسه ۸ مرداد: هزاران تظاهرکننده معترض به آغاز سومین دوره ریاست جمهوری آلبرتو فوجیموری، همزمان با برگزاری مراسم تحلیف وی در کنگره، به خیابانهای لیما سرازیر شدند و شعبه مرکزی یک بانک و کاخ دادگستری را به آتش کشیدند. مطبوعات پرو در این روز نوشتند گردهمایی ملی مخالفان علیه آغاز سومین دوره ۵ ساله ریاست جمهوری آلبرتو فوجی موری بیش از ۲۰ هزار نفر را به خیابانهای لیما کشاند. اما برگزارکنندگان این تظاهرات تعداد شرکت کنندگان در آن را بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر اعلام کرده اند. این تظاهرات که بنا بود پس از دو روز اعتراض تحت عنوان راهپیمایی چهار سویو (سویو = ایالت) به شب زنده داری دموکراسی بیانجامد به درگیری با طرفداران فوجیموری انجامید. در این حال گروهی از تظاهرکنندگان کاخ دادگستری لیما و گروهی دیگر شعبه مرکزی بانک ملی این کشور را آتش زدند. به گفته مأموران آتش نشانی که موفق به خاموش کردن آتش در کاخ دادگستری شدند، در آتش سوزی بانک ملی ۴ نفر کشته و ۲ نفر مفقود شده اند. درگیری بین مخالفین و موافقین فوجیموری بیش از ۳۰ مجروح بر جای گذاشت که در بین آنها یک خبرنگار نیز دیده می شود.

هراوه

خبرگزاری فرانسه ۱۰ مرداد: دولت زیمبابوئه بی درنگ ۳۰۰۰ مزرعه متعلق به سفیدپوستان این کشور را مصادره خواهد کرد تا بین هزاران سیاهپوست بدون زمین تقسیم کند. به گزارش تلویزیون دولتی زیمبابوئه، این تصمیم در جریان نشست اضطراری وزیران دولت و مسئولان بلند پایه این کشور اتخاذ شده است. در خاتمه این نشست ایگناتیوس چومبو وزیر ایالتی مسکن زیمبابوئه به خبرنگاران گفت: در طول این هفته تعداد زیادی از سیاهپوستان در همه ایالتهای این کشور مستقر خواهند شد و فهرست مزرعه هایی که توقیف خواهند شد، به زودی منتشر می شوند و این مزارع به ۹۰۴ مزرعه ای که در ژوئن گذشته مصادره شده اند اضافه می شوند. این در حالی است که مزرعه داران سفیدپوست اعلام کرده اند از سندیکاها و مخالفان پیروی خواهند کرد و به اعتصاب عمومی سه روزه که از چهارشنبه آغاز می شود، خواهند پیوست.

کلمبیا

رویتر ۱۵ مرداد: در پی آغاز اعتصاب یک روزه ۷۰۰ هزار کارگر دولتی کلمبیا در اعتراض به اقدامات ریاضت طلبانه دولت، نیروهای ضد شورش پلیس به همراه تانکها در مسیرهای ورودی شهر یوگوتا مستقر شدند. سخنگوی پلیس

کلمبیا گفت: معترضان سرخپوست و روستایی بزرگراهی را در منطقه مرکزی کشت قهوه مسدود کردند و افرادی که گمان می رود از شورشیان مارکسیست باشند یک دکل برق فشار قوی را در مرکز صنعتی مدلین در جنوب غربی کلمبیا با بمب منفجر کردند. رسانه های داخلی کلمبیا اعلام کردند: تظاهرکنندگان جاده اصلی متصل کننده استان جنوبی نارینو به اکوادور رامسود و سعی کردند رفت و آمد را در یکی از بزرگراههای نزدیک شهر کالی متوقف سازند.

سانتیاگو

خبرگزاری فرانسه ۱۹ مرداد: دیوان عالی شیلی با لغو مصونیت پارلمانی ژنرال پینوشه راه را برای محاکمه دیکتاتور سابق این کشور به خاطر جنایاتی که در دوران حکومت خود مرتکب شده است، باز کرد. هومبرتو اسپیخو یکی از قاضیان دیوان عالی سانتیاگو گفت لغو مصونیت آگوستو پینوشه با ۱۴ رای مثبت در مقابل ۶ رای منفی به دست آمده است. دیوان عالی در واقع رای دادگاه استئناف سانتیاگو را که در ۲۳ مه گذشته با ۱۳ رای موافق و ۹ رای مخالف به لغو این مصونیت رای داده بود تایید کرده است. دیکتاتور سابق این مصونیت را در مارس ۱۹۹۸ هنگامی که سناتور مادام العمر شده بود به دست آورد. این حکم همچنین ژنرال ۸۴ ساله را از وضعیت ویژه ای که اخیرا برای رؤسای جمهور سابق شیلی ایجاد شده است محروم می سازد. یک مسئول بلند پایه بنا که نتوانست ناشی فاش شود گفت: پینوشه از همه حق مصونیت خود محروم شده است و بنا بر این دیگر هیچ حقی برای کسب هیچگونه مصونیتی ندارد. اندکی پس از اعلام رای دیوان عالی شیلی هزاران تن از مخالفان ژنرال پینوشه که در مقابل دانشگاه تجمع کرده بودند خوشحالی و رضایت خود را ابراز داشتند. در این حال ژنرال ریکاردو ایزورتیا فرمانده نیروهای مسلح شیلی در ملاقاتی با پینوشه در محل اقامت او به وی اطمینان داد که ارتش از او حمایت می کند.

برازیلیا

خبرگزاری فرانسه ۲۳ مرداد: ۲۰ هزار زن کشاورز برزیلی با برپایی تظاهراتی در برازیلیا خواستار پایان فقر و خشونت در مناطق روستایی این کشور شدند. در این راهپیمایی که با نام راهپیمایی گل مینسا و به دعوت کنفدراسیون ملی کارگران کشاورزی انجام گرفت زنان کشاورز که از سراسر برزیل آمده بودند خواستار اصلاحات ارضی، توزیع بهتر زمینها، دسترسی به وام، گشایش بیشتر جامعه و حداقل دستمزد در طول نخستین ماههای پس از زایمان شدند. تظاهرکنندگان همچنین به دخالتهای صندوق بین المللی پول در سیاست برزیل اعتراض کردند و این نهاد پولی را مسئول فقر در مناطق روستایی و کشاورزی این کشور دانستند. این تظاهرات که بزرگترین تظاهرات زنان در

تاریخ برزیل است، در چارچوب راهپیمایی جهانی زنان که در ۱۵۶ کشور برگزار شده، انجام گرفته است. تظاهرکنندگان به منظور دادن ابعادی سمبلیک به راهپیمایی خود به گروههای مختلف تقسیم شدند. تعدادی از آنها سبدهای خالی، سمبل گرسنگی و فقر در دست داشتند. تعدادی دیگر در مخالفت با خشونت برقراری صلح صلیب حمل می کردند و گروه دیگری گل هدیه می کردند.

لس آنجلس

خبرگزاریها ۲۵ مرداد: تظاهرات مخالفان سیاستهای تبعیض آمیز آمریکا با مداخله پلیس لس آنجلس به خشونت انجامید. همزمان با آن کنوانسیون ملی دموکراتها با سخنان بیل کلینتون کار خود را آغاز کرد. حادثه میان هزاران تظاهرکننده خشمگین که برای رفع تبعیض در جامعه آمریکا شعار می دادند و نیروهای ویژه پلیس در لس آنجلس هنگامی روی داد که تظاهرکنندگان تصمیم گرفتند از موانعی که در اطراف محل برگزاری کنوانسیون ملی دموکراتها کشیده شده بود عبور کنند و خود را به نمایندگان شرکت کننده در کنوانسیون برسانند. پلیس برای متفرق کردن تظاهرکنندگان از گاز فلفل و گاز اشک آور، و همچنین شیلنگ آب و گلوله های پلاستیکی استفاده کرد. این در حالی است که در درگیری دیگری که کمی قبل میان گروه دیگری از تظاهرکنندگان و مأموران پلیس در مرکز شهر فرشته ها روی داده بود ۹ تن بازداشت شدند. در جریان این درگیریها بسیاری از فروشندگان با مشاهده تظاهرکنندگان خشمگین که در خیابانها لاستیکها را به آتش کشیده بودند، مغازه های خود را تعطیل کردند. این در حالی است که تظاهرکنندگان قریاد می کشیدند (اگر به هر یک از این دستگاهای منفور "دموکراتها و جمهوریخواهان" رای دهید، در واقع به ظلم و ستم به خودتان رای داده اید).

انکارا

ایرنا ۲۵ مرداد: دهها هزار تن از کارگران شاغل در شهرداری استانبول روز سه شنبه پس از بروز اختلاف بر سر میزان افزایش حقوق با کارفرما، اعتصاب کردند. کارگران شاغل در شهرداریهای مناطق مختلف استان استانبول دست از کار کشیدند و در مقابل ساختمان شهرداری تظاهرات کردند. مسئول سندیکای کارگران شاغل در شهرداریها گفتند، تا دستیابی به خواسته های خود در مورد افزایش دستمزدها به میزان ۷۰ درصد، به اعتصاب ادامه خواهند داد. شهرداری کل استانبول و شهرداریهای مناطق مختلف استانبول با عنوان این که دولت آنکارا در برنامه تثبیت اقتصادی خود نرخ تورم ترکیه در سال جاری میلادی را در شاخص قیمتهای مصرف کننده ۲۵ درصد در نظر گرفته است با تقاضای کارگران برای افزایش دستمزدها به میزان ۷۰ درصد مخالفت می کنند.

ادبیات ایران در هزاره دوم

نگاهی به گذشته و اشاره ای به هزار سال مبارزه فرهنگی (۸)

— اسماعیل وفا یغمایی

جریان فکری و سیاسی جعفر ابن محمد (اسام ششم شیعیان) در دوران ابومسلم جعفر ابن محمد ششمین امام شیعیان دوازده امامی و اصلی ترین تدوین کننده اصول و فروع مکتبی که بعدها به نام شیعه اثنی عشری در سراسر ایران پراکنده شد در سالهای ۸۳ تا ۱۴۸ هجری و معاصر با ده تن از خلفای اموی و دو تن از خلفای عباسی می زیست. روزگار او چون روزگار پدرش روزگار کثرت مکتبهای ریز و درشت مذهبی و جنبشهای سیاسی و شورشی از جمله جنبشهای غالیان، شیعیان زیدی، شیعیان عباسی، جنبش زهد، شورشیان خوارج، جنگهای مردان ابن محمد، عبدالله ابن معاویه و عبدالله ابن جعفر و بر راس تمام این شورشیان قیام جاهلان بود. او در هنگام اوجگیری جنبش سیاه جنگان در آستانه ینجاه سالگی قرار داشت و در حال ادامه تدوین اصول مکتبی بود که پیش از او پدرش محمد ابن علی (امام باقر پنجمین امام شیعیان) تا هنگام درگذشت خود در سال ۱۱۴ هجری در پی افکندن آن کوشیده بود. دوران پدرش آغاز دورانی بود که کار تدوین اصول مکتب شیعه شروع شد. تمام عمر محمد ابن علی در کشاکش بحثها و رقابتیهای گروههای مختلفی که خود را شیعه و بر حق ترین پیروان امام اول تا چهارم شیعیان می دانستند سپری شد. او سرانجام و به نقل برخی منابع به دست ابراهیم ابن ولید ابن عبدالملک فرزند دوم ولید و تناد آفرید مسموم گردید. اسناد مختلف بر رفتار مهربانانه، دانش، سخاوت، مبارزه اش با ایمان، تلاش او برای حفظ اصول و مقررات مذهب جدا از تمایلات شخصی و زهد و پارسایی او تاکید کرده اند. زهد و پارسایی و تاکید او بر باره عدالت چنان بود که

باعث شد از همان زمان خود و بعدها از بنیادگذاران تصوف به شمار آید و عارفان و صوفیانی چون سفیان ثوری و عطار نیشابوری و بسیاری دیگر چون عبدالله مبارک، ابوعلی اردوبادی، ابن حجر هیتمی و ... علیرغم این که از بزرگان اهل تسنن هستند او را در اقوال و آثار خود سر خیل زاهدان و صوفیان بدانند و از او با احترام بسیار یاد کنند. کار ناتمام او را در تدوین اصول مکتب و بحث و کنکاش با پیروان سایر مکاتب، فرزندش جعفر ابن محمد دنبال کرد. او در تمام عمر یکسره به این کار مشغول بود و از فرصتی که در هم ریختگی پایان روزگار امویان به وجود آورده بود نهایت استفاده را برای گسترش افکار و اندیشه های خود و پرورش شاگردان فراوان کرد. در دایره تفکر خاص معتقدان و پیروان او و اسناد مذهبی شیعه، او را چون سایر امامان دارای خوارق عادات و کشف و کرامات بسیار دانسته اند. فارغ از این نوع نگاه خاص، حاصل کار او چنان بود که پس از او علیرغم تمام حوادثی که رخ داد و تمام مدعیانی که در شاخه های مختلف شیعه پیدا شدند، اصول تدوین شده توسط او موجب شد پیروان او در راهی مشخص شده جلو بروند و سرانجام شیعه دوازده امامی مقبولیتی گسترده بیابد. دامنه دانش معلومات او وسیع بود. آن گونه که پیروان و بزرگان سایر نحل ها و مذاهب به سراغ او می آمدند تا در حلقه درس او چیزی بیاموزند. نوشته اند ۹۰۰ تن از شاگردان او فقط در کوفه حضور داشتند و مالک ابن انس پیشوای مذهب مالکی، ابوحنیفه پیشوای مذهب حنفی، واصل ابن عطا پیشوای معتزلیان، داوود طائی عارف نامدار، جابر ابن حیان دانشمند معروف، از شاگردان او بوده و بر دانش و پیشوایی او اتفاق نظر داشته اند. بایزید بسطامی یکی از شگفت آورترین چهره های عرفان و پیشوای آغازگر عرفان ایرانی و بنیادگذار انسان گرایی در عرفان از ۱۱۳ پسر و معلم درس گرفت که یکی از آنان جعفر ابن محمد بود. اقوال اینان به ویژه از این نظر حایز اهمیت است که نشان می دهد جعفر ابن محمد نه تنها در نظر پیروان فکریش بلکه در نظر دیگرانی که

شماری از آنها چون ابوحنیفه و مالک ابن انس از بنیادگذاران و امامان مکاتب فکری دیگر بوده اند مقامی بلند داشته است. ابوحنیفه امام مذهب حنفیان از بزرگترین شاخه های تسنن می گوید او فقیه ترین مردم بود. عطار نیشابوری که مولانا خود را شاگرد او می داند و در عرفان، یکی از قابل تامل ترین عارفان و اندیشمندان ایرانی و از لحاظ مذهب از پیروان تسنن است در تذکره الاولیا با کلمات: مقتدای مطلق، شیخ الایمان، امام محمدیان، پیشرو اهل ذوق، پیشوای اهل عشق، مقدم عبادتگران و کریمترین زاهدان از جعفر ابن محمد نام می برد و این گونه احترام از سوی عطار که در آثارش به مجذوبان و شورشگران علیه شریعت رسمی و قوانین دست و پاگیر و خشن آن، نظر بسیار مثبتی دارد بسیار قابل تامل است. به جز اینها، مجموعه مدارک تاریخی و نیز روایات و اسناد مذهبی نشان می دهد که او از اقتدار و احترام زیادی در میان اقشار مختلف و به ویژه در میان ایرانیان برخوردار بوده است. سخاوت او نسبت به دوست و دشمن و شیوه ملایم و مهربانانه و مجاب کردن منطقی مخالفان فکری به ویژه دامنه این احترام را بسیار وسیع کرده بود. اسناد به جا مانده نمونه های جالبی در این زمینه را نشان می دهند که ذکر آنها در طاقت این یادداشتها نیست. و آن هم که تا به حال به آن اشاره شد نه به خاطر بزرگداشت و احترام به یک شخصیت مذهبی شیعی بلکه توجه به نقش و شخصیت تاریخی جعفر ابن محمد در یکی از مقاطع مهم تاریخ ایران است. او در اوجگیری شورشیان مردم در پایان دوران اموی، نقش بسیار داشت. وی بار اول ابوسلمه خلال همدانی از رهبران فکری شورشیان ضد موی را برای همکاری علیه امویان و به دست گرفتن ریاست ناراضیان و خلافت رد کرد و نامه ابوسلمه را نخونده در آتش افکند و گفت من آن کس که منظور شما هست نیستم و ابوسلمه از شیعیان دیگر کسان است. بار دوم بنا به نقل شهرستانی هنگامی که ابومسلم خراسانی از او همین تقاضا را کرد در جواب ابومسلم نامه کوتاهی نوشت که نه تو از یاران

منی و نه زمان زمان من و تقاضای او را رد کرد. دو تن دیگر از بزرگان خاندان علی، عبدالله ابن حسن ابن علی و عمر اشرف ابن زین العابدین نیز به تقاضای ابوسلمه جواب رد دادند و هنگامی که عبدالله ابن حسن علوی در جواب ابوسلمه گفتن سالخورده ام و با پسر بیعت کنید. جعفر ابن محمد به او هشدار داد که ای پسر مرد خون فرزندت را مریز، هنگامی که عبدالله ابن حسن گفت برخی از شیعیان ما نامه نوشته اند و از ما تقاضا کرده اند. جعفر ابن محمد گفت چه کسانی شیعیان تو هستند آیا آنها را می شناسی بعدها این هشدار به واقعیت پیوست و بنا بر نقل مآخذ مختلف از جمله تاریخ یعقوبی و مقاتل الطالیین خون فرزند عبدالله ابن حسن، محمد، معروف به نفس زکیه در جریان یک شورش ریخته شد و خود عبدالله ابن حسن نیز که فرزند فاطمه دختر امام حسین بود در سن هفاد و پنج سالگی پس از مدتها رنج و شکنجه در زندان درگذشت. داوریهها در باره عکس العملها و مواضع ششمین پیشوای شیعیان در رابطه با شورش زید و یحیی، عمو و پسر عمویش، و جواب رد دادن به تقاضای ابومسلم و ابوسلمه و شیوه خاص زندگی او متفاوت است. شماری از مورخان عکس العملهای پنجمین ششمین پیشوای شیعیان را در رابطه با دولت اموی و بعدها عباسی دلیل بر زهد و پارسایی و ترک مقامات دنیوی و میان روی و اعتدال آنها دانسته اند و نتیجه گرفته اند آنان کار دنیا را به اهل دنیا و نهاده و رو به آخرت نهاده اند و اساسا اهل قیام و مبارزه قهرآمیز نبوده اند. شماری معتقدند ورود آنان، به ویژه جعفر ابن محمد، به کشاکشهای سیاسی آن ایام، به معنی پایان کار شیعه و بسته شدن دفتر آن بود. تا آن دوران هیچ فرصتی برای تدوین اصول اعتقادی و بنیادگذاری شیعه مورد نظر آنان باقی نبود. و اگر در دوران آنان این اصول تدوین نمی شد با آن شرایط خفیر و آن همه مکتب و مذهب و انشعابها در شیعه خطرات بسیاری در کمین بود و بر این می افزایند که آنان علیرغم اقتدار و نفوذ، با اشراف به شرایط سیاسی و

بافت و ساخت نیروهای جامعه پیرامون خود در آن روزگار و اطلاعاتی که از طریق پیروان خود در اطراف و اکناف و حتی در درون حکومت وقت و در میان عباسیان به دست می آوردند می دانستند روزگار بنی عباسی در راه است و حوادث بعدی یعنی ترور و قتل ابوسلمه خلال به دست نخستین خلیفه عباسی - با تایید ضمنی ابومسلم - و سرکوب خونین جنبش به آفریدیان خراسان و جنبش شریک ابن مهری در بخارا در سالهای ۱۲۹ و ۱۳۹ هجری به دست ابومسلم و قتل ابومسلم به دست دومین خلیفه و سرکوب خونین و خشن شورشیان زبدیان و شکل گرفتن اختلافی دیگر و ماجراهای بعدی را دلیل می آورند. نوشته اند پیشوای ششم شیعیان به روشنی و وضوح خبر از برد سیاسی عباسیان و خلافت منصور خلیفه دوم عباسی داد و نوشته اند منصور پس از رسیدن به خلافت و علیرغم نفرت از گسترش نفوذ دایره شیعیان پیرو جعفر ابن محمد به مقابله اصلی ترین رقیبان عباسیان، او را به نزد خود خواند و صادق نامید و همین پیشگویی سیاسی موجب شد که مدتی در آغاز کار خلافت، از جانب ابن جعفر ابن محمد و علویان پیرو او احساس خطر نکرده و آنان را به حال خود بگذارد. نظر اتسی فراعقلی و در چارچوب شناختی خاص، خیالی و ضد تاریخی توسط تعداد زیادی از نویسندگان مذهبی سنتی ابراز شده که چون این یادداشتها با اتکا به واقعیات تاریخی نوشته می شود از نقل این گونه نظرات می گذرم. این گونه نظرات البته در یک تحقیق کامل به عنوان بخشی از اعتقادات و باورهای مردم در طول تاریخ می تواند مورد تامل قرار بگیرد و در روانشناسی مذهبی توده ها در طول قرنهای به کار آید. ولی در این یادداشتها فرصتی برای پرداختن به آنها نیست. در پایان این بخش تاکید می کنم که در این زمینه یعنی تطبیق تاریخ تشیع با روند مادی تاریخ ایران کمبودهای جدی وجود دارد که با توجه به نقش جدی تشیع در تاریخ ایران بایستی به آن پرداخته شود. ادامه دارد

جنبشی که همچنان ادامه دارد ...

— لیلیا

گزارشی از فیلادلفیا

تظاهرات به دفاع از مردم فقیر

روز دوشنبه ۳۱ ماه ژوئیه، جمهوریخواهان آمریکا برای معرفی نامزد انتخاباتی خود، جرج بوش که بنا به دعوت مقامات رسمی شهر فیلادلفیا در آنجا تجمع کرده بودند برنامه های چهار روزه خود را شروع کردند. جمهوریخواهان که اکثر طرفدارانشان افراد مرفه، سفید پوست و مردان را تشکیل می دهند به شهری آمده بودند که گرچه یکی از فقیرنشینانه ترین شهرهای آمریکا است اما مرکز شهر با خرج میلیونها دلار بازسازی گشته و با هتلای بزرگ و مجلل و رستورانهای شیک و گران قیمت از توریستها پذیرایی می کند.

جنبشی که ادامه دارد ...

هزاران نفر از فعالان جنبش ضد فقر و استثمار که بسیاری از آنان تظاهرات چند روزه سیاتل علیه WTO و واشنگتن در افشای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را سازماندهی کرده بودند، برای انجام تظاهرات بزرگی در شهر فیلادلفیا اجتماع کرده بودند.

تور فیلادلفیا از طریق اینترنت

یکی از ابتکارهای مؤثر و جالب فعالان این جنبش ایجاد توری از فیلادلفیا بر روی شبکه اینترنت بود. آنها با عکسهای متعدد و توضیحاتی از تاریخچه این شهر، وضعیت زندگی مردم، بی خانمانان و بیکاران و کارگرانی که با داشتن شغل در فقر و فلاکت زندگی می کنند، چهره پشت پرده سرمایه داری را در مقابل چشم مردم آمریکا و مردم جهان قرار داده بودند. آنها می گفتند: هم اکنون که این شهر در مقابل چشم جهانیان قرار گرفته ما به شما و جمهوریخواهانی که در این شهر تجمع کرده اند چهره واقعی آن را نشان می دهیم.

آنها به این دلیل این شهر را برای تجمع خود انتخاب کردند که تجمل مرکز شهر را به چشم مردم آمریکا و مردم جهان بکشاند و بگویند که سیستم سرمایه داری آمریکا مؤثر بوده و اقتصاد ما قویست. مردم ما دارای کار هستند و کیفیت زندگی در دنیا بهترین است.

با این تور به محل زندگی مردم این شهر بیابید و ببینید آنها چگونه در اینجا زندگی می کنند و کودکانشان را بزرگ می کنند. اینجا کینزیستون است. تنها یک محله از هزاران محله شبیه آن در سراسر آمریکا. اینجا جاییست که مردم فقط برای زنده ماندن تلاش می کنند و از «رشد اقتصادی» نصیبی نبرده اند. ۲۵ درصد مردمی که از فیلادلفیا و اطرافش

زندگی می کنند زیر خط فقر هستند کارگران فقیر با دارا بودن چند شغل باز هم نمی توانند مخارج خود را تامین کنند. اینجا یک میلیارد دلار خرج ساخت یک استودیوم ورزشی شده ولی هزاران خانه خراب در حال فروپاشی سقفهایشان هستند. حدود ۳۰ هزار خانه غیر مسکونی وجود دارد اما ۲۵ هزار نفر بی خانمان هستند. تازه این شامل کسانی که چند خانواده در یک خانه زندگی می کنند نیست. تنها ۴۴ درصد از کسانی که برای رای دادن به شهردار اسم نویسی کردند در انتخابات شرکت کردند. دموکراسی ما به عنوان یک نمونه درخشان به چشم جهانیان کشیده می شود ولی کاندیداهای ما حتی نیمی از مردم را نمی توانند به صندوق رأی بکشانند. در این شهر فقط ۱۷ درصد در انتخابات رئیس جمهوری شرکت کردند دلیلش هم این است که فقط ۲ راه پیش پا داشتند جمهوریخواه یا دموکرات. در سال ۱۹۴۵ این شهر قلب صنعتی جهان بود. اما همه کارخانه ها را بستند و رفتند تا در نقاط دیگر جهان با کارگرانی با حقوق کم و بدون قانون پیدا کرده و آنها را استثمار کنند. آنها جهانی شدن را به جاهایی که سود کلانتر برایشان داشت بردند. کارگران همگی کار خود را از دست دادند و خرابه های کارخانه ها مواد شیمیایی و محیط غیر بهداشتی را باقی ماند آن وقت می گویند که این مردم فقیر و بی خانمان تنبل هستند.

اولین روز تظاهرات

بیماران و معلولان روی صندلی چرخدار، مدافعان حقوق بیماران مبتلا به ایدز، دانش آموزان، سندیکاها، کارگری، فعالان حفظ محیط زیست، جوانان علیه استثمار کارخانه ها، بی خانمانها، اتحادیه دفاع از حقوق فقیران - که به دفاع از حقوق بی خانمانها سازماندهی شده اند - گروههایی که علیه دخالتهای آمریکا در آمریکای لاتین سازمان یافته بودند، اتحادیه کارگران برق، اتحادیه کارکنان بیمارستانها، شاغلان فقیر و بیکاران، سازمان ملی زنان، کمیته کر و لالان در دفاع از حقوق بشر جهانی، نمایندگان احزاب کارگری نیویورک و نیوجرسی و ... دهها گروه و سازمان و اتحادیه دیگر به همراه فعالان جنبش که این بار آن را «حقوق اقتصادی بشر» نام نهاده بودند همگی به هم پیوستند و در یک تظاهرات مشترک و یکدست خیابانهای مرکز شهر را پر کردند آنها چهار راهها را بسته و اقدام به برگزاری نمایش و تاتر، خواندن سرود و سخنانیهای متعدد کردند. بسیاری از تماشاگران کناری نیز به آنها پیوستند، به طوری که جمعیت مجبور شد به کوچه های فرعی عقب نشینی کند. ۱۵ هزار روزنامه نگار، گزارشگر رادیویی و فیلم بردار از این تجمع عظیم و به طور چشمگیری منظم و سازمان یافته گزارش تهیه می کردند.

پلیس با استفاده از تجربه تظاهرات سیاتل و واشنگتن خود را کاملاً برای این

تظاهرات آماده کرده بود. در این روز ۱۵ نفر از تظاهرکنندگان از گروهی که علیه دخالت نظامی آمریکا در کشورهای آمریکای لاتین شرکت کرده بودند دستگیر شدند. این گروه یکی از چهار راهبای مرکز شهر را بسته و اقدام به برگزاری نمایشی کرده بود که یک نفر بسا گذاشتن کلاه عمو سام و پوشیدن لباس او. دستور اعدام پانچوها که روستائیان فقیر و بدون زمین مکزیک، گواتمالا، کلمبیا و السالوادور هستند را می داد. چند نفر که نقش سرباز را بازی می کردند جسدها را روی زمین می کشاندند که رنگ قرمز به نشانه خون آنها روی زمین روان می شد. پلیس به تظاهرکنندگان نیم ساعت وقت داد که چهار راه را تخلیه کنند و سپس آنها را به جرم مسدود کردن خیابان دستگیر کرد.

این تظاهرات یکی از اهدافش حمایت از ۲۵ میلیون مردم فقیر آمریکا بود که بسیاری از آنان در اثر قانون قطع مدد های اجتماعی کلینتون به بی خانمانان بیکار تبدیل شده بودند. برخی از تظاهرکنندگان تی شرتهای خاکستری رنگی پوشیده بودند که روی آن نوشته شده بود: «نامرغها در آمریکا، فقیرها را پنهان می کنند».

شعارهای آنان شامل «بهداشت و درمان، حقوق بشر است»، «مسکن حقوق بشر است»، «شغل مناسب حقوق بشر است» و ...

تعداد قابل چشمگیری از جوانان که تقریباً همگی سفید پوست بودند پس از ۳ مایل و نیم راهپیمایی به مرکز شهر رسیدند و شعار می دادند «وقت آن رسیده که از بیل گیت مالیات بگیرید» و «فقر باید برود». نمایندگان جمهوریخواهان از پنجره هتلها و سالنهای جلسات، تظاهرکنندگان و مردمی که برای آنها سوت می کشیدند و دست می زدند را تماشا می کردند. یک کارگر ساختمانی به یکی از خبرنگاران گفت «اینها آمده اند اینجا مهمانی ما، خودمان نان شب نداریم بخوریم».

سخنرانی دو زن

خانم Cheri Hoakala گفت: «مردم فقیر هیچ گونه دسترسی به هیچ یک از دو حزب جمهوریخواه و یا دموکرات ندارند. تحت رئیس جمهور دموکرات و رفرم او ما مدد های درمانی را در این کشور از دست دادیم. حقوقی برای تحصیل و آموزش و پرورش نداریم. حزب دموکرات ما را نمایندگی نمی کند این را ما می دانیم زیرا ما هستیم که مرده هایمان را به خاک می سپاریم. ما ... ما فقر زده ها. بنا بر این ما مجبور شدیم جنبشی را ایجاد کنیم و در اتحاد با حزب کارگران حزبی عظیم را ایجاد کنیم که ما را نمایندگی کند. تا زمانی که همه ی اقشار و طبقات این جامعه نمایندگی نشوند هیچ چیزی عوض نخواهد شد. این تنها راه در اختیار گرفتن آینده است».

خانم Branda Stokely گفت: «ما نباید درخواست کنیم، التماس کنیم

آنها برای چیزهایی که حقوق اولیه بشر است. ما چیز اضافه و حق اضافه نمی خواهیم. ثروتمندان طوری رفتار می کنند که ما درخواست زیادی و اضافه داریم. تنها راه عوض کردن وضع ما ایجاد یک سازماندهی سیستماتیک است. باید در مراجع تصمیم گیری راه پیدا کنیم باید به حزب خود دست بیاوریم. حزبی که شکل ماست و مال ماست. بدین طریق بنیادهای سیستمی این کشور را بازسازی کنیم. در این کشور یک اقلیت بسیار کوچک بهترین بیمه درمانی را دارد. بهترین دسترسی به تحولات و آموزش. بهترین در جهان را در دست دارد آیا آنها بیشتر از ما بشر هستند اگر جواب نه است ما باید سازماندهی بیاوریم و حزب کارگران را بسازیم».

روز دوم تظاهرات - سه شنبه اول اوت

در این روز تظاهرات به خشونت کشیده شد. به گفته پلیس تا نیمه های این روز ۲۸۲ نفر دستگیر شدند و چندین پلیس به خاطر مایعی که تظاهرکنندگان به صورت آنها ریخته بودند به بیمارستان برده شدند و به حدود ۲۰ اتومبیل پلیس صدمه وارد شد.

در این روز آثارشستها به ماشین پلیس رنگ ریختند و درگیری با پلیس از هر طرف به طور مداوم بالا گرفت. پلیسهایی که افراد را دستگیر می کردند دستکشهای سیاهی با آرم نایک در دست داشتند و تظاهرکنندگان فریاد می زدند: ما می دونیم شما برای چه کسانی کار می کنید».

تظاهر کنندگان از این که وسایل ارتباط جمعی همواره درگیرها را به سراسر جهان گزارش می دادند ابراز خشنودی می کردند و می گفتند بر هم زدن وضع عادی جامعه تنها راهیست که می تواند صدای آنها را به گوش مردم آمریکا و جهان برساند. تظاهرکنندگان دستها را زنجیوار به هم گره کرده بودند. یک نفر از سازماندهندگان اتحادیه های کارگری نیویورک به خبرنگاران گفت: «جمهوریخواهان و دموکراتها هیچ یک ما را نمایندگی نمی کنند. و نفر دیگری که دستهایش را به او زنجیر کرده بود گفت: من ۳۱ ساله. سفید پوست، استاد دانشگاه. دارای همسر. از طبقه متوسط و خشمگین از نابرابری اقتصادی هستم. آن قدر خشمگین که به دستگیر شدن اهمیتی نمی دهم. پلیس که در روز اول به تظاهرکنندگان التماس می کرد که کاری نکنند که آنها را مجبور به دستگیریشان کنند و می خواستند از خود چهره خوبی بر جای بگذارند در این روز با خشونت اقدام به شکستن زنجیرهای انسانی کرده و آنها را مجبور به تردد کردند.

۶ اوت - پس از گذشت یک هفته ۳۶۹ نفر در اسارت پلیس هستند که ۱۵۰ نفر آنها در اعتصاب غذا هستند. تخریب ۲۳ ماشین پلیس و صدمه به ۱۵ پلیس. هنوز این شهر در تب و تاب این جنبش به سر می برد. تظاهرات در مقابل

بقیه در صفحه ۱۳

دو زن - مرضیه و گوگوش

میان ماه من با ماه گردون

تفاوت از زمین تا آسمان است

— لیلیا

مرضیه و گوگوش سه وجه مشترک با یکدیگر دارند. اول این که هر دوی آنها زن هستند. دوم. این که هر دو هنرمند و خواننده و سوم این که هر دو از یک سرزمین و محکوم به زندگی در یک رژیم ارتجاعی و ضد انسانی، ضد زن. ضد هنرمند. ضد همه خوبیها، زیباییها، عشق، ترانه، شادی، رقص، پایکوبی و آزادی مردم و ضد همه چیزهای خوب زندگی، بوده اند. رژیمی که نیازهای طبیعی انسانها را گناه و خلاف شرع می داند. به هر حال همین جنبه وجه مشترک ظاهرا باید کافی باشد تا هر هنرمندی، و به ویژه هر هنرمند زن ایرانی حداقل عکس العملش در مقابل این رژیم سکوت باشد. همگان شاهدند که ما هیچ وقت پا روی دم کسانی که از ایران بیرون آمدند و کنسرت اجرا کردند و به ایران بازگشتند و حرفی و شعاری و یا رهنمودی به مآخارج کشورها ندادند که از مبارزه دست بکشیم یا نکشیم. نگذاشتیم هر چند دروغ چرا ته دل آرزو می کردیم که آنها تبدیل به یک هنرمند متعهد و مردمی بشوند و به افشاء رژیم بپردازند ولی به روی خودمان نیاوریم و حتی برخی از رفقای ما از حق آنها دفاع هم کردند. البته درست است که هر وقت یکی از هنرمندان سرشناس ایرانی به این طرف دنیا می آید هزاران چشم به او دوخته می شود و هزاران گوش به لبهای آنان. اما ما هرگز به طرفشان خیز برداشتیم که چرا صدای مردم درموند و تحت ستم ایران را به گوش همگان نمی رسانند و خلاصه این که هرگز نگفتیم یک هنرمند حتما باید یک ستاره در عالم هنر و تعهد باشد و نگفتیم هم که مانند مرضیه باید حتما بیاید و صدای سرکوب شدگان را به گوش جهانیان برساند و بعد هم برود برای رزمندگان ارتش رهاییبخش بخواند و دل آنها را گرم و شاد کند. اما این را هم که خانم گوگوش بعد از یک عمر نه خواننده حالا باور بکنم یا نه که باور نکنم دردی درمون نمیشه کاری آسون نمیشه ... امروزه که دیگر مثل روز روشن شده این رژیم و تمامی دسته بندیهایش پوشیده و ارتجاعی و محکوم به سرنگونی هستند، امروز که دیگر اعتراضات و جنبشهای مردمی آنقدر پیش رفته که دست یک یک به اصطلاح اصلاح طلبان را هم باز کرده. به اینجا بیاید و به ما بگوید به فکر انقلاب نباشید مردم اصلاحات می خواهند یعنی به زبان دیگر مردم خاتمی و گنجی و حجابیان و ... این دارد دسته منحط را که حتی یک بار به یکی از سنگسارها که ۶ تای آنها

هم زن بودند اعتراض نکردند را می خوانند. گوگوش بهتر بود حرف راست را از ته دل مردم ایران می گفت که خواستار انقلابی دیگر که تمام قاتلان و شکنجه گران را به پای میز محاکمه بکشاند، هستند. اما راستی موضوع از چه قرار است. دو حالت دارد یا گوگوش بیسواد است و هیچ چیز نمی خواند. و بنابراین در بین مردم عادی هم نمی گردد. دارای شغل و مشکل پرداخت خرج بیمارستان و عقب افتادن یک سال و نیم حقوق ناچیز کارگری و عزیزی که تحت شکنجه و اعدام این رژیم باشد و غیره ... ندارد بنابراین از کجا بداند و یا این که نفسش را با نفس متعفن رژیم پیوند ناشگون زده و به انسانیت و شرافت پشت کرده است. متأسفانه بعضی از روزنامه نگاران ایرانی هم از هول حلیم افتادند توی دیگ پولهای تبلیغات و در کانادا اول خبر آمدن و مصاحبه با او را در بوق و کرنا کردند و بعد هم با جشن و سرور دور هم به حساب لوله تریاک رسیدند (اسمهایشان فعلا محفوظ بماند) و دست در ریش رژیم به ریش شرافت و انسانیت خندیدند اما جالب اینجاست که مردم عادی که از ایران می آیند حتی پدر و مادرهای پیر به کل این رژیم لعنت می فرستند و می گویند: خدا الهی نسل همشون را براندازد. حتی حالا دیگر با اوج گرفتن اعتراضات در داخل دو ریالی خیلپها هم بالاخره افتاده و کم کم اعتراف می کنند که خاتمی قریص آسپیرین هست ولی درمان درد نیست و یا به قول خود خامنه ای خاتمی گریاچف نیست.

اما راستی به قول خود گوگوش آدما آی آدمای روزگار چی می مونه از شماها یادگار، چه بد که نسل من او را دوست داشت و حالا یک مشت خاطره خوب لکه دار شد. اما چه خوب که ما زنی مثل مرضیه را داشتیم که برایمان آواز خواند که «دو سه شبه که چشمام به درد، دلم گرفته و منتظره خدا کند که خوابم نبره».

اما چه بدتر که زنی مثل گوگوش که خودش از بچگی تحت ستم و استثمار چندگانه، چه از جانب شوهرانش و چه از طرف رژیم بود در سن ۵۰ سالگی باز هم نفهمید که چگونه بازیچه دست این ستمگران شده است.

چه بد برای خیلی آدمها و خصوصا زنها که یک عمر به آنچنان درک و آگاهی نرسیدند که از خود و از نوع خود دفاع کنند و از هر فرصتی برای دفاع از عدالت، آزادی و برابری انسانها استفاده کنند.

اما چه خوب که زنان شجاع و بی پروایی هم بودند که هرگز تسلیم نشدند و با مرضیه خواندند، خدا کند که خوابم نبره ... تو این قفس که زندون منه.

جنبشی که همچنان ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱۲

زندانیان ادامه دارد و طبق گزارشهایی از داخل زندان با زندانیان به سختی و خشونت رفتار می شود و کلا زندانیان خشمگین از مراجع قانونی هستند و زندانیان از دادن اسمهای خود به پلیس و مراجع قانونی مانع می کنند و همگی خود را با یک نام معرفی می کنند. مقامهای پلیس فیلادلفیا نیز به سختی خشمگین هستند و معتقدند چیز بدی در جریان است و باید جلسوی پیشروی آنها گرفت آنها می گویند این افراد باید کنترل و مورد تحقیق و بررسی قرار بگیرند.

همان طور که تظاهرکنندگان خود را برای تظاهراتی دیگر در کالیفرنیا و علیه تجمع دموکراتها در دو هفته آینده آماده می کنند پلیس فیلادلفیا اعلام می کند که حاضر است با پلیس کالیفرنیا برای کمک همکاری کند.

پس از تظاهرات سیاتل در مخالفت با WTO و تظاهرات در واشنگتن علیه IMF و WB دیگر هم برای تظاهرکنندگان و فعالان جنبش عدالتخواهی و هم برای پلیس مسلم و مبرم گشته که جنبش عظیم علیه سرمایه داری و فقر تولد یافته است.

خبرگزاریها

واشنگتن پست: هزاران تظاهرکننده که بیسی از دستگیرشدن نداشتند و در میان آنها مادران به همراه کودکانشان، افراد زیادی روی صندلی چرخدار مرکز شهر را احاطه کردند. پلیس مجبور شد به گوشه ای ایستاده و تظاهراتی را که به آن اجازه نداده بود تماشا کند.

فیلادلفیا اینکوار: این تظاهرات به تمام معنی موفقیت آمیز بود. دیدن هزاران نفر تحت رهبری سازمانهای چند نژادی و چند ملیتی که برای عدالت اقتصادی همصدا شده بودند واقعا تحسین آمیز بود.

رویتر: یک کشیش گفت: ما به اینجا آمده ایم که چهره مردم فقیر را به جمهوریخواهان نشان دهیم.

آسوشیتدپرس: یکی از سازماندهان تظاهرات گفت: «ما در این لحظه به موقعیتی استثنایی دست یافته ایم که به مردم این کشور و مردم جهان نشان دهیم که چه مصمم و جدی هستیم و برای مسائلی چون بی خانمانی و فقر حتی حاضریم به زندانها برویم.

روزنامه فیلادلفیا: تمام دولین گفت «این راهپیمایی متعلق به همه است. همه ما یک چک حقوقی از فقر فاصله داریم».

شیکاگو تریبون: ۳۰۰۰ تن از فعالان ضد فقر با نظمی چشمگیر در پارک راهپیمایی کردند. پس از راهپیمایی یکی از رهبران گفت: ما پیروز شدیم و از این پس ما دیگر اجازه نمی دهیم با ما مثل سگ هار رفتار شود و دیگر اجازه نخواهیم داد حقوق بشر در این کشور پایمال شود».

پلیس و ارتش چک برای تظاهرات ضد

صندوق بین المللی پول. خود را آماده می کنند

۱۱ اوت: رستورانها مرغ سوخاری، کنتاکی و پیتزاهات برای شیشه های پنجره رستورانهای خود سفارش شیشه داده اند. همین طور فروشگاههای مواد غذایی انگلیسی IESCO نقشه بستن این فروشگاهها را می کشند. مک دونالد خوشبین است و خیال دارد باز بماند. وزارت جنگ چک ۱۱ هزار پلیس را آماده می کند و چند صد هزار سرباز را در حالت آماده باش قرار می دهد. مدارس و تاترها و سینماها تعطیل خواهند بود. وزارت جنگ چک در یک شبکه اینترنت به جوانها تذکر می دهد. دست به حرکات بچه گانه نزنید، ما را خشمگین نکنید. بزرگسالان مواد غذایی و دارو ذخیره می کنند و دل به مقامات دولتی می بندند.

بله به نظر می آید که زمان جنگ است. اما نه همه این تدارکات برای میتینگ سالیانه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که به مدت ۱۰ روز در ۱۹ سپتامبر آغاز خواهد شد و قرار است حدود ۱۸۰۰۰ نفر از مقامات رسمی و نمایندگان کشورها را به جنگ بکشاند. می باشد. پراگ از سال ۱۹۹۳ مشتاقانه این روز را که سنبل بازگشتش به سرمایه داری و نزدیکی به غرب است را انتظار می کشد.

اما از آن زمان تا به حال جنبشی در مخالفت با این دو نهاد و علیه جهانی گشتن اقتصاد و تجارت شکل گرفته است. از هم اکنون بر روی شبکه اینترنت برای مخالفت با سیاستهای این دو نهاد و تظاهرات در پراگ تبلیغ و برنامه ریزی می شود.

این شبکه برای مبارزه علیه سرمایه داری جهانی و فقر و بی عدالتی. مردم سراسر جهان را دعوت می کند. آنها می گویند: «بیایید پراگ را بهسیاتل کنیم». در نوامبر سال قبل ۴۰ هزار نفر شهر سیاتل را منقلب کردند با پلیس درگیر شدند و جلسات میتینگ سازمان تجارت جهانی را مختل کردند. انتظار می رود در این تظاهرات حدود ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر شرکت کنند. این تعداد شاید بزرگترین هجوم خارجیها به این کشور از سال ۱۹۶۸ که ارتش سرخ به اینجا وارد شد باشد.

هاول رئیس جمهور چک برای جلوگیری از درگیریهای شدید قبول داده است با نمایندگان برخی از گروهها دیدار کند و قرار است که استودیوم ورزشی strahov را با برپا کردن چادر و توالتهای سیار در اختیار تظاهرکنندگان قرار دهند. اما برخی از محافظه کاران با این اقدامات مخالفت کرده اند. یکی از مقامات قانونگذاری این کشور گفت بگذارید ایس تظاهراتندگان درس بخوانند. دو زبان خارجی را یاد بگیرند چند سالی در بانکی کار کنند بعد حق دارند در باره صندوق بین المللی پول نظر بدهند. از قرار معلوم به این گفته حمایت آمیز هیچ کس لبخندی هم نزده است.

گفته می شود که سازماندهندگان این تظاهرات به خاطر سابقه خشونت آمیز پلیس چک در وحشت هستند. اما با این حال برای برگزاری تظاهرات صلح آمیز و اجرای تئاتر. موسیقی و رقص که همگی جهت آگاهی بخشیدن است و به قصد سازمان دادن تظاهراتی عظیم علیه سرمایه داری جهانی و جهانی شدن بیش از پیش خود را آماده می سازند.

زندگی در هایم پناهندگی -

«ما مدت‌هاست که مرده ایم و هم چنین هنوز زنده ایم»

برگرفته از روزنامه

Furstenfeldbruck

ترجمه: حیدر اصلانی

انسان می تواند به وسیله یک ضبط صوت کوچک قدیمی و کهنه که حدود ۷۰ سال از عمرش گذشته و از دستفروشی دوشنبه بازاری تهیه شده است. آهنگهایی که اوج ارزش عشق و محبت را آواز می دهد، گوش کند. سخنگویی از ایران. احساسات میهمانان را برمی انگیزد و همچنان که کاستی با آوازی خوش به گوش می رسد می گوید: (موزیکی از وطن من) و توضیح می دهد که: این نوار از عشق دو مامی صحبت می کند که از آزادی و عشق دم می زنند. ولی این کلمات در وطن من قهغن است. و این سرودی است از اوضاع سیاسی ایران.

سرکوب آزادی بیان، دوستی، عشق و حق زندگی
این ایرانی دو سال پیش از رژیم دیکتاتوری - مذهبی جمهوری اسلامی گریخته است و در هایم پناهندگی اطراف مونیخ به سر می برد. جایی که دارای دو ساختمان مجزا با حدود ۵۶ پناهنده از کشورهای چون ایران - افغانستان، توگو، پاکستان و غیره است. به هتل مرگ خوش آمدید جمله بزرگی که روی درب ورودی ساختمان نوشته شده بود. سخنگوی ایرانی و دیگران سعی می کردند این جمله را توضیح دهند. پناهندگان می گفتند، ما مدت‌هاست مرده ایم و هنوز متحرک و زنده هستیم. ما هیچ برنامه مشخصی نداریم و نمی توانیم داشته باشیم (حق کار، حق تفریح، تحصیل، و...) بر طبق قانون دولت آلمان از ماه مه ۱۹۹۷، هیچ متقاضی پناهندگی حق کار ندارد و به او اجازه کار داده نمی شود. پناهجویان تا یک محدوده مشخصی حق رفت و آمد دارند و اگر از محدوده خود بدون اجازه خارج شوند، با جریمه و توهین و دادگاه روبرو خواهند شد. تبعیدگاهی از نوع اروپایی با برچسب حقوق بشر!

یک جوان حدود ۱۹ ساله از افغانستان که تازه از خواب برخاسته، با چهره ای آشفته و افسرده می گوید: ما فقط اینجا برای خوردن و خوابیدن هستیم و غذاهای یکنواخت و مشخص به ما می دهند و خواب ما با اضطراب و تشویش همراه است. چرا که پلیس حق دارد هر ساعتی که دلش می خواهد به هایم آمده و اتاقها و پناهجویان را کنترل کند. به هر حال آرام و قرار نداریم. من دوست دارم درس بخوانم و پیشرفت کنم ولی چطور؟ همین طور که جوان افغانی با ناراحتی سخن می گفت. مرد ایرانی در ادامه حرفهای او با حالت خاصی عنوان کرد: چرا جوانی به سن و سال مشابه ایشان زیاد است. بایستی از صبح تا شب در گوشه ای بنشینند و از کار، تحصیل و زندگی و تفریح محروم باشد. چرا بایستی غذای تحمیلی و مشخص دریافت کنیم؟ مثل زندان که همیشه غذایی مشخص و معین شده به زندانی می دهند و او هم حق هیچ گونه اعتراضی ندارد و هیچ وقت اجازه ندارد آنچه را که می خواهد،

داشته باشد و اگر هم اعتراض کند، با جریمه، توهین و ... مواجه می شود. سخنگوی ایرانی ما را به آشپزخانه هایم دعوت می کند. در آشپزخانه یک درخت خشک وجود دارد که بر روی درخت تعدادی تخم مرغ شکسته، نوشته ها و تعدادی تله موش می باشد. او گفت که این درخت سمبل درخت کریسمس هایم پناهندگی است. خبری از رنگهای مختلف، شیرینی، هدیه و سبزی و نشاط نیست. و این توضیحی است مشخص و رنج آور از جشن سال ۲۰۰۰ در مکانهای فراموش شده و تفاوت زندگیا در یک جامعه به اصطلاح آزاد و حامی حقوق بشر و دموکراسی.

او ادامه می دهد: این سمبل نشان می دهد که ما می بایستی چگونه زندگی کنیم! سپس او جعبه ی شیشه ای را بالا آورده که داخل آن تعدادی موش وجود داشت. او گفت: اینها میهمانان ما هستند. روی دیوار هم مطالبی از این قبیل نوشته شده بود ۱- درخت کریسمس ۲- برابری برای همه.

انسان هم چنین می توانست آنجا بخواند که: همه انسانها برابر هستند و او سعی می کند با احساسات رنج آوری توضیح دهد که اینجا کسی به فکر کسی نیست و ما فراموش شدگانی بیش نیستیم. پناهجویان می بایستی هفته ای دو بار جیره غذای خشک از دفتر هایم دریافت کنند. غذایی یکنواخت و گاهی هم مسئول دفتر هایم می گوید که اینجا برای شما مثل یک هتل است و یا یک بهشت؟ سخنگو ادامه می دهد. ما شاید دوست داشته باشیم. غذای دیگری که علاقه داریم مصرف کنیم. چرا بایستی همیشه یک غذای مشخص و تحمیلی برای ما در نظر گیرند. من خود بایستی تصمیم بگیرم که چه می خواهم بخورم یا بیوشم. آیا این حق انسانی من نیست؟ از طرفی، این چه معنایی دارد که هر هفته به دفتر هایم مراجعه کنیم و جعبه های غذای بی مصرف و مزخرف دولت آلمان را با هزار طعنه دریافت کنیم.

آیا این تبعیدگاهی دیگر نیست؟
مرد جوان افغانی، همین طور که سرش را به علامت اعتراض تکان می دهد می گوید: مونیخ از ما دور نیست. ولی ما بایستی اینجا در هایم بمانیم و اجازه نداریم از محدوده مشخصی خارج شویم و همیشه بایستی در منطقه مشخص قدم بزنیم. سخنگوی ایرانی ادامه می دهد. اینجا مثل خانه بیماراران روانی و دیوانگان است. اینجا کسانی هستند که ۷ سال در هایم زندگی کرده اند و خود به خود راه می روند و می خندند و همیشه افسرده اند. بدون ارتباط خارجی - محدود - بدون زندگی در کنار قشر مردم و طرد از جامعه. این گونه مقدر نیست. چرا ما را بایستی در این حصار زندانی کنند؟ و حقوق ما را پایمال؟ زندگی به هر شکل در هایم بسیار خسته کننده و غیر منطقی است. خوراکی اجباری، خواب با پریشانی، برخاستن با سستی و ضعف و هزاران اضطراب از قوانین جدید و ارتباطات دولتها به خاطر منافع اقتصادی و شخصی و در نتیجه ترس و وحشت از بازگرداندن اعدام و شکنجه. به دلیل مذاکرات مخفیانه و ضد حقوق انسانی با برچسب امن بودن، رفهر، جامعه مدنی و گشایش و غیره. در کشور ایران رژیم ارتجاعی مذهبی گردن انسان را با چاقو می برد و در آلمان این کار را با پنجه انجام می دهند. آهسته خیلی آهسته، یعنی با پنجه سر می برند. توضیح: این مطلب توسط نبردخلق کوتاه شده است.

مجازات عوامل سرکوبگر

خواب هستی

ب.پرستو

دیرخانه شورای ملی
مقاومت طی اطلاعیه هایی اعلام کرد که روز سه شنبه ۱۱ مرداد هنگامی که مأموران نیروی انتظامی در بیرون حسینیه اعظم شهر برازجان (جنوب ایران) برای گروهی از جوانان شهر مزاحمت ایجاد کردند، یکی از جوانان با سلاح کلاشینکف بر روی مأموران رژیم آتش گشود و دو تن از مأموران نیروی انتظامی را مجروح کرد. مأموران تعدادی از جوانان شهر را دستگیر کردند. در زاهدان (جنوب شرق ایران)، تعدادی از جوانان با تهاجم غافلگیرانه به یک بسیجی سرکوبگر، وی را به شدت مضروب کردند و متواری شدند. در تربت حیدریه در استان خراسان (شمال شرق ایران)، تعدادی از جوانان با تهاجم غافلگیرانه به یک بسیجی سرکوبگر، وی را به شدت مضروب کردند و متواری شدند. به نوشته روزنامه حکومتی رسالت ۲۱ تیر، جوانان تربت حیدریه به این بسیجی گفته بودند: شما بسیجیان را باید کشت و شما را با اسلحه هم که شده از شهرمان بیرون خواهیم کرد. تعدادی از جوانان مخالف رژیم آخوندی در شهر طبقه مشهد حوالی ساعت ۲ بامداد دوشنبه ۱۷ مرداد با پرتاب سه کوکتل مولوتف به داخل یک مرکز بسیج سپاه پاسداران در این شهر، خسارات سنگینی به این مرکز وارد آوردند. همچنین چندی پیش در شهر قم نیز دو تن از مزدوران بسیج توسط جوانان مخالف مورد حمله قرار گرفتند و با ضربات چاقو به شدت مجروح شدند. این حادثه هنگامی روی داد که عناصر سرکوبگر بسیج به مردمی که در یک ایستگاه فروش آب آشامیدنی در خیابان گلستان به سران رژیم به خاطر وضعیت ناپسندان کشور دشنام می دادند، حمله ور شدند. تعدادی از جوانان که شاهد این صحنه بودند به دفاع از مردم برخاستند و ضمن سر دادن شعار علیه خامنه ای و خاتمی، با بسیجیها درگیر شدند. در این درگیری، دو تن از بسیجیها به نامهای سیف الله کاوندی و عطاءالله منصوری به شدت مجروح شدند. جوانان در میان تشویق پر شور مردم، صحنه را ترک کردند و تلاشهای گسترده رژیم آخوندی برای دستگیری آنان به جایی نرسید.

قطع دست

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۱ مرداد: حکم الهی در مورد یک سارق در محلات به اجرا در آمد حسن محمدیان فرزند جبار اهل خوزستان به اتهام سرقتهای متعدد، با حکم شعبه دوم دادگستری شهرستان محلات و تایید شعبه ۲۷ دیوانعالی کشور به قطع چهار انگشت دست راست و پس دادن اموال مسروقه محکوم گردید. حکم در ملا عام و حضور مسئولین قضایی و انتظامی به اجرا درآمد.

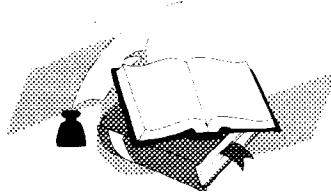
علت طولانی بودن و محدودیت صفحات نشریه. از چاپ آن معذوریم.

— یزدانپناه از استرالیا، طی نامه ای خواستار نشریه نبرد خلق و چند کتابی که انتشار آن را در نبرد خلق اعلام کردیم. شده است. توجه دوستان را به این مطلب جلب می کنیم که برای دریافت کتابهای اعلام شده در نبرد خلق، که از انتشارات سازمان نمی باشد. به آدرسهای که در زیر آن درج شده مکاتبه کنند.

— مهرداد از انگلیس، خواستار کتاب تداوم و نبرد خلق شده است که برایشان ارسال خواهد شد.

— شهناز بیات، جویباری، م.ن و ارزانی پور. هزینه اشتراک و بیژن از اتریش، ۲۰۰ شلینگ کمک مالی رسید. از همه دوستان و خوانندگان نبرد خلق بابت مکاتبات و توجه و همکاریشان تشکر می کنیم.

نامه ها و مطالب رسیده



— مرتضی مزاکردی از آلمان، مطلبی برای نبرد خلق با عنوان «ماهیتی در پشت چراغ قرمز» ارسال نموده اند. نویسنده مطلب ضمن برشماری جنایات رژیم در مورد سرکوب و قتل عام دانشجویان و مخالفان توسط رژیم، به نقش و موقعیت خاتمی در نجات رژیم می پردازد و می گوید: ... نه خاتمی و نه اربابان او می توانند سدی برای سیل خروشان اعتراضات و مبارزات مردمی باشند! چرا که بیست سال مبارزه مردم ایران شکاف عمیق و اساسی در حاکمیت جمهوری اسلامی انداخته. چرا که بیست سال کشتار و بی حقوقی مطلق نتوانسته است مردم ایران را مرعوب خود نگاه دارد. چرا که بیست سال حاکمیت پلید این رژیم ضدانسانی باعث گردیده است تا میلیونها نفر از ایران گریخته و با امید به یک زندگی مسالمت آمیز و بدون اجبار به خارج از ایران پناه ببرند! این نشان می دهد تا زمانی که عاملین تراژدی در سر کار و رأس جامعه باشند این روند نیز ادامه خواهد داشت. پس گام به گام برای براندازی نظام ننگین جمهوری اسلامی بکوشیم!

— شهناز بیات از آلمان، مطلبی کوتاه برای نبرد خلق ارسال نموده است. نویسنده ضمن پرداختن به رویدادهای اخیر در ایران، می گوید: یکشنبه ۱۶ مرداد آخرین تارهای ریشه اصلاح طلبی در ایران توسط ولی مطلقه فقیه از بنیاد کنده شد. نمطه های اصلاح طلبی از ۲ خرداد ۷۶، که اساسا پوچ و بی معنی بود، عده ای را ناگهان و خوش باورانه و عده ای را نیز که منافعشان در حفظ رژیم تنیده است، غرض آلود هم نوا کرده بود. ولی اکنون بعد از حمله های پیاپی جناح هار رژیم، از بستن مطبوعات خودی دوم خردادی و دستگیری روزنامه نگاران تا نظارت استصوابی بر نمایندگان مجلس و ... تا دستور مستقیم خامنه ای به مجلس در روز یکشنبه ۱۶ مرداد، پرونده اصلاحات جمهوری اسلامی مختومه اعلام می شود. شهناز بیات در آخر می نویسد: امروز برای مردم غیور و رنج کشیده ایران راهی جز قیام مسلحانه و نجاتی جز ارتش آزادیبخش برای درهم کوبیدن و سرنگونی این استبداد مذهبی باقی نمانده است. پیروز باد رزم قهرمانان ارتش آزادیبخش / زنده باد آزادی / زنده باد سوسیالیسم.

— رضامرادخانی مطلبی برای نبرد خلق ارسال نموده اند که ضمن مروری به اوضاع سیاسی در ایران، نوشته است که: ... چه بسا دانشجویهای جوانی که دست پرورده همین رژیم هستند و از صافیهای شوراهای اسلامی رژیم عبور کرده اند بهتر از کسانی که خود را روشنفکر و اپوزیسیون و دلسوز کشور و مردم می دانند چهره این دجال فریکار و مرتجع (خاتمی) را شناخته اند و هر گاه که فرصت مناسبی رخ دهد نفرت خود را از رژیم و تمامی دسته بندیهای درونی آن به صورت جنبشی خلقی در گوشه و کنار کشور از رشت گرفته تا تهران و سرستان و ... نمایان می کنند. به راستی که گاری پوشیده و لنگان رژیم که بنیانگذارش خمینی دجال است در انتهای خیابان یک طرفه ای که به زباله دان تاریخ ختم می شود در حرکت است.

— علی مهربان از آلمان، یک شعر در رابطه با حماسه سیاهکل برای نبرد خلق ارسال نموده است.

— کاوه پویان، شعری با عنوان «خردورز» برای نبرد خلق ارسال نموده است.

— حیدر اصلانی شعر زیبایی به نام «شکایت شاپرک قالی باف» برای نبرد خلق ارسال نموده است که متأسفانه به

NABARD - E - KHALGH

Organ of the
Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas
Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Published by :
NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 183 22. Aug. 2000

NABARD
B.P. 20
91350 Grigny
Cedex / FRANCE

NABARD
Postbus 593
6700 AN Wageningen
HOLLAND

NABARD
P.O. Box 10400
London N7 7HN
ENGLAND

NABARD
Postfach 102001
50460 Köln
GERMANY

NABARD
P.O. Box 710631
Herndon, VA
20171 U.S.A

NABARD
Casella Postale 887
65100 Pescara
ITALIA

E-Mail:

nabard@club-internet.fr

nabard@hotmail.com

صفحه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در روی شبکه اینترنت

http:// www.fadaian.org

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید ست، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان مغایرت، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام، بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEN FRANCE

Fax: USA 1-703 904 78 10
Italia 39-085 802 23 56

فرم اشتراک نبرد خلق

Name :

Address :

بهای اشتراک سالانه نبرد خلق

۷۵ فرانک فرانسه

۱۸ دلار آمریکا

۷ فرانک فرانسه

حساب بانکی سازمان

SOCIETE GENERAL
BOULOGNE - S - SEINE
FRANCE

03760
00050097851
Mme. Talat R.T

اروپا
آمریکا و کانادا
تک شماره

نام بانک :
آدرس بانک :

کد گیشه
شماره حساب :
نام صاحب حساب :

جنگ خبر

اخبار روز را در آدرس زیر بر روی اینترنت مطالعه کنید.

http://www.geocities.com/jong_khabar/jong_khabar

اطلاعیه ها و اخبار را برای اطلاع دیگران به آدرس زیر ارسال کنید.

jong_khabar@yahoo.com

انتشارات نبرد خلق و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

- ۱- تداوم (گفتگوی علی ناظر با مهدی سامع)
- ۲- جنبش پیشاتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم (سخنرانی مهدی سامع در آمریکا و کانادا)
- ۳- تاریخ سی ساله سیاسی اثر بیژن جزنی
- ۴- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود اثر بیژن جزنی
- ۵- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا، اثر اصیر پریز پویان
- ۶- سرنگونی رژیم و ضرورت دولت موقت از مهدی سامع
- ۷- دموکراسی شرط اساسی انتقال قدرت به مردم
- ۸- طرحهای شورای ملی مقاومت
- ۹- پیرامون تبعیض جنسی، مذهبی و ملی
- ۱۰- سنگر مقدم : لنینیسم از منصور امان
- ۱۱- بیانیه اعلام برنامہ (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۲- منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۳- بحران در جنبش کمونیستی ایران، راه حل برون رفت از آن و نقش ما
- ۱۴- چه کسی بر سر دوراهی قرار گرفته است - برای ثبت در تاریخ، از مهدی سامع
- ۱۵- مجموعه مقالات از منصور امان
- ۱۶- زنان ایران در مبارزه برای برابری جنسی از زینت میرهاشمی
- ۱۷- سوسیالیسم و سندیکاها
- ۱۸- سوسیالیسم از عهد مارکس به بعد و جنبش بین المللی سندیکاها
- ۱۹- نویسنده: ماکس آدلر، مترجم: کریم قمصم
- ۲۰- گفتگو با مارگرت میچرلیش، مترجم: کریم قمصم

ارس

در شبکه جهانی اینترنت

http://members.tripod.com/~ARAZ/index-1.html

نبرد خلق را مطالعه کنید.

گفتگو و تبادل نظر زنده با دیگران

عملیات نظامی ستاد داخل کشور مجاهدین خلق ایران

عملیات تله گذاری

صبح روز دوشنبه ۲۴ مرداد، واحدهای عملیاتی مجاهدین به کمین و تله گذاری بر سر راه گشتیهای رژیم آخوندی در جاده صالح آباد - سرنی مبادرت کردند. ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور طی اطلاعیه ای اعلام کرد که «عملیات به نام مجاهد شهید غلامحسین مالی صورت گرفت که در ۲۵ خرداد گذشته با سه تن از همزمانش در مقابله با نیروهای نظامی و اطلاعاتی رژیم آخوندی در شمال شهر بدره در داخل خاک عراق به شهادت رسیدند». در ادامه این اطلاعیه آمده است که در این عملیات شماری از مزدوران اطلاعاتی و نظامی دشمن، از جمله خسرو تبار از فرماندهان انتظامی رژیم، از پای درآمدند.

درگیری در منطقه دهلران در استان ایلام

در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۹ و ۱۰ مرداد چندین رشته درگیری بین واحدهای عملیاتی مجاهدین و نیروهای ضربت لشکر سرکوبگر ۲۳ نوحه در منطقه دهلران در استان ایلام، به وقوع پیوست. ستاد فرماندهی مجاهدین خلق طی اطلاعیه ای اعلام کردند که در جریان درگیریهای گسترده واحدهای عملیاتی با قوای سرکوبگر دشمن که مجموعاً بیش از ۳۰ ساعت به طول انجامید، مجاهدان قهرمان جلال الدین هاشمی فرزند دلاور سروسنستان فارس و محمدعلی آبادیان فرزند قهرمان مردم بابل، به شهادت رسیدند.

نبرد قهرمانانه در مقابل یورش رژیم در منطقه موسیان در خاک عراق

نیروهای اعزامی وزارت اطلاعات، در حوالی ساعت ۵ صبح روز دوشنبه ۱۰ مرداد با پیشروی از نقاط و مسیرهای مختلف در منطقه مرزی موسیان در داخل خاک عراق، با حمایت آتش سنگین پشتیبان از داخل خاک ایران به قصد کنترل و محاصره و ضربه به مجاهدین حمله خود را آغاز کردند که با ضد حمله و نبرد قهرمانانه مجاهدین روبرو شد. در جریان درگیریهای این روز ۲ تن از مجاهدان قهرمان امین مکنونی اهل خوزستان و ایرج قیطاسی اهل کرمانشاه به شهادت رسیدند.

عملیات در شمال صالح آباد ایلام

ستاد فرماندهی مجاهدین طی اطلاعیه ای اعلام کرد که ساعت ۳ بامداد یکشنبه ۲۳ مرداد ماه، واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، مقر نیروی انتظامی و مقر نیروهای لشکر ۱۶ زرهی تحت امر ولی فقیه در شمال صالح آباد را ۱۵ بار پیانی

با خمپاره های ۸۲ میلیمتری درهم کوبیدند. این عملیات بزرگ با نام و یاد مجاهد شهید مهدی عصایی فرزند غیور مردم تبریز انجام گرفت که روز ۲۵ خرداد گذشته با سه همزم قهرمانش در مقابله با نیروهای اطلاعات، انتظامی و ارتش تحت امر ولی فقیه که برای ضربه زدن به مجاهدین وارد خاک عراق شده بودند، در شمال شهر عراقی بدره به شهادت رسید.

عملیات حبیب

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور در روز ۳۰ مرداد اعلام کرد که: «واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین مقر گردان ۷۸۱ از لشکر سرکوبگر نوحه را در شمال شهر دهلران، با آتش سنگین خمپاره های ۱۲۰ میلیمتری در هم کوبیدند. علاوه بر این، یگان ادوات مستقر در این منطقه نیز با همه تجهیزات و تسلیحاتش خمپاره باران گردید».

این تهاجم دلیرانه در پاسخ به حمله تروریستی رژیم در بامداد جمعه ۲۸ مرداد به قرارگاه حبیب متعلق به ارتش آزادبخش ملی ایران صورت گرفته است.

عملیات مجاهد شهید مژگان زاهدی

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور طی اطلاعیه ای اعلام کرد که: روز یکشنبه ۳۰ مرداد، واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، پادگان حسین آباد، محل استقرار نیروهای لشکر ۱۶ زرهی ارتش تحت امر ولی فقیه در شرق شهر مهران را با آتش سنگین خمپاره های ۱۲۰ میلیمتری ۱۰ بار پیانی در هم کوبیدند. این عملیات به یاد و نام مجاهد قهرمان خلق، شهید مژگان زاهدی که در روز جمعه ۲۸ مرداد در جوانی کرمانشاه به دست قوای سرکوبگر رژیم به شهادت رسید صورت گرفته است.

عملیات مجاهد شهید منیره اکبری

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور در روز یکشنبه ۳۰ مرداد اعلام کرد که: «واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، مقر فرماندهی تیپ سوم لشکر سرکوبگر ۱۶ زرهی تحت امر ولی فقیه در جنوب صالح آباد ایلام را با موشکهای ۱۲۲ میلیمتری کاتیوشا درهم کوبیدند. این عملیات دلیرانه به یاد و نام مجاهد قهرمان شهید منیره اکبری که در روز جمعه ۲۸ مرداد در جوانی کرمانشاه به شهادت رسید صورت گرفته است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یاد و خاطره مجاهدان شهید جلال الدین هاشمی، محمدعلی آبادیان، امین مکنونی، ایرج قیطاسی، مژگان زاهدی و منیره اکبری که در عملیات و درگیریهای اخیر به شهادت رسیدند را گرامی می دارد و شهادت آنان را به خانواده و همزمان و دوستانشان تسلیت می گوید.

به یاد و خاطره جانبازان کتان قتل عام تابستان ۶۷



ایران نبرد آدرس جدید نبرد خلق در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:
nabard@iran-nabard.com

شهادت فدایی شهریور ماه

در برابر تند
می ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میرند

رفقای فدایی: یعقوب (امیر) تقدیری - ایرج سپهری - علی میرشکاری - انور اعظمی - محمود بابا - علی اعظم السادات روحی آهنگران - حسن سعادت - پروین فاطمی - طهمورت اکبری - جمیل یخچال - شهریار و احسن ناهید - محمد مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمدتقی برومند - بنیام رهبر - بهمن رهبر - محمد رضا فریدی - سعیده کریمان - پرویز داوری - غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاه بابایی - ناصر فتوتی - محمد سیاسی - حمیدرضا ماهیگیر - عباس کبابی - جواد کارشی - نادره نوری - علیرضا پناهی - قاسم معروفی - ابوبکر آرمان - هوشنگ احمدی - رشید یزدان پناه - (سمکو) - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس الدینی - قاسم سیدباقری - عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - تمدن - اصغر جعفری - جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری - علیرضا یزاقچی - محمد رضا ستوده - احمد رضا شعاعی - مهدی سمیعی - ابوالفضل غزال ایاق - رشید آهنگری - محمد تمدن - جمشید میرحیدری - یونس رضائی - جلال فتاحی - محمدعلی ابرندی - سیاوش حسوند - ایرج سلیمانی - از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.